

بازنگری تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران (۱۳۲۸-۱۳۶۸):

۳- نظام برنامه‌ریزی توسعه
قسمت دوم: تجربه جمهوری اسلامی ایران

نوشته: عبدالحسین نفیسی

معرفی مقاله

این مقاله قسمت دوم مقاله شماره پیشین فصلنامه و مکمل مقالات دیگری است که در این زمینه قبلاً در فصلنامه درج شده است و به بحث در باره نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اختصاص دارد. نویسنده ابتدا مهمترین تغییراتی که در صحنه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش پس از استقرار جمهوری اسلامی در کشور به وقوع پیوسته را به اختصار شرح می‌دهد و سپس عناصر مختلف نظامهای برنامه‌ریزی توسعه را در تجربه سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۷ معرفی می‌کند و وجوه تمایز آنها را از تجارب برنامه‌های گذشته برمی‌شمارد.

در بخش پایانی مقاله نویسنده با استفاده از تجارب مستقیم خود در عرصه برنامه‌ریزی به تشریح درسهایی که از این تجربه درازمدت می‌توان آموخت می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که در چهار دهه گذشته وظیفه برنامه‌ریزی و توسعه آموزش و پرورش "نهادی" نشده و به صورت وظیفه‌ای مستمر که باید در هر سطح تشکیلاتی و در هر مکان و زمان انجام گیرد و به عنوان ابزاری برای سامان دادن امور جاری و استفاده بهینه از منابع و نیز وسیله‌ای برای هدایت تحولات آتی در جهت مطلوب به کار گرفته شود، سازماندهی و تدارک نشده است. وی سپس آثار و تبعات این نارسایی را در مقوله‌های طراحی و اجرای برنامه و جلب مشارکت مردم در این

مهم، تحقیق، بررسی، ارزشیابی علمی و تربیت نیروی انسانی در زمینه برنامه‌ریزی و بالاخره مسأله مهم روشهای برنامه‌ریزی و اجرای آنها نشان می‌دهد و بروز اثرات نامطلوب این موارد را در هنگام تلفیق برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش با برنامه توسعه سایر بخش‌ها و اختصاص منابع به بخش آموزش متذکر می‌گردد. در پایان این بخش، فهرستی از مهمترین اقدامات و سیاستهایی که باید برای افزایش کارایی و ثمربخشی نظام برنامه‌ریزی توسعه به کار گرفته شود ارائه می‌کند.

به سبب بهم پیوستگی مطالب و اهمیتی که هیأت تحریریه برای انعکاس نظرات و حاصل تجربیات دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران آموزش و پرورش کشور قائل است، این مقاله با حجمی کمی بیش از معمول در فصلنامه درج شده است. از نویسنده آن آقای عبدالحسین نفیسی عضو هیأت تحریریه و شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش که تجارب ممتد خود را در این زمینه به رشته تحریر درآورده‌اند سپاسگزاریم و امیدواریم که به همین روال توفیق نشر نتایج تجربیات سایر کارشناسان، صاحب‌نظران و اندیشمندان تعلیم و تربیت ایران را بدست آوریم. انشاءالله

"فصلنامه"

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در سه مقاله گذشته، تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش ایران در ۴ دهه گذشته به لحاظ تعاریف، دامنه شمول، سابقه، سطوح برنامه‌ریزی و تحولات آن در گذشته و بالاخره تعریف و عناصر نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش و تحولات آنها در دوره ۱۳۲۸ - ۱۳۵۷ مورد بررسی قرار گرفت. این مقاله به بررسی تحولات نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد. قبلاً گفته شد که در نظام برنامه‌ریزی، عملیات پنجگانه: طراحی، تلفیق، تصویب، اجرا و نظارت بر برنامه صورت می‌پذیرد. و نیز اشاره شد که تحولات نظام برنامه‌ریزی توسعه، در سه مرحله زمانی به شرح زیر قابل بررسی است:

● اول: مرحله تمرکز مسؤولیتها - دوره برنامه‌های اول تا چهارم عمرانی کشور (۱۳۲۷ تا ۱۳۵۱)

● دوم: مرحله تفکیک مسؤولیتها - دوره برنامه‌های پنجم و ششم عمرانی کشور (۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷)

● سوم: مرحله زمینه‌سازی برای مشارکت - دوره تجربه‌های اول و دوم برنامه‌ریزی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸)
تحولات مراحل اول و دوم در مقاله فصلنامه شماره ۲۸ مورد بررسی قرار گرفت. اینک به بررسی تحولات مرحله سوم می‌پردازیم.

تحلیل وضع نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در مرحله سوم

۱ - تغییر تشکیلات اجرایی و سیاست‌گذاری

این مرحله با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ آغاز شد و با تصویب و اجرای برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی، در حال حاضر (پایان سال ۱۳۷۰) ادامه می‌یابد. پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، تغییراتی بنیادی در جهت‌گیریها، سیاستها و هدفهای جامعه و دولت به وجود آورد که بر اثر آن، در تشکیلات مرتبط با نظام برنامه‌ریزی کشور و از آن جمله نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش نیز تغییراتی ایجاد گردید. بررسی این تغییرات، هم به دلیل گستردگی و هم به واسطه ماهیت، نیازمند کوششی جداگانه است. اما به دلیل پویایی و خودجوشی اقدامات و تصمیماتی که در دو سال نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، و در جو نفی و طرد تمامی آنچه از رژیم فاسد و مستکبر گذشته به جای مانده بود، اتخاذ شد و نیز ضرورتها و محدودیتهای ناشی از جنگ تحمیلی ۸ ساله، تغییرات و تحولات حاصله متنوع و ناپایدار بوده و چندان بر ارزیابی دقیقی از تجربه‌ها و عملکردهای گذشته متکی نبوده است. به همین دلیل در ابتدا فهرست مهمترین تغییرات در صحنه برنامه‌ریزی توسعه

آموزش و پرورش ارائه می‌شود و سپس تحولات حاصله در عناصر پنجگانه نظام، مورد بحث قرار می‌گیرد.

مهمترین تغییراتی که در تشکیلات مرتبط با نظام برنامه‌ریزی در یازده سال گذشته به وجود آمده به شرح زیر است:

● - اسلام‌خواهی و تلاش برای مبنا قرار دادن تعالیم عالیة اسلامی در کلیه شئون و تصمیمات آموزش و پرورش؛ این توجه باعث تغییر متن بسیاری از آئین‌نامه‌ها و دستورالعملهای اجرایی و آموزشی شد و یا موجب تفسیر و تعبیر جدیدی از مفاهیم گذشته گردید؛

● - تصویب قانون اساسی و تصریح بر لزوم برنامه‌ریزی از جمله در اصول ۳، ۴۳ و ۴۸ و رایگان بودن آموزش و پرورش در اصل سی‌ام و نظارت و مشارکت مردم (علاوه بر نظارت عالیة مجلس شورای اسلامی) بر فعالیتهای برنامه‌ریزی از طریق شوراهای مردمی در اصول ۱۰۰ تا ۱۰۶ (مأخذ ۱)؛

● - ادغام وزارت خانه‌های فرهنگ و هنر، اطلاعات و کلیه مراکز فرهنگی و هنری وابسته به دربار در وزارت علوم و آموزش عالی و تشکیل وزارت فرهنگ و آموزش عالی (مأخذ ۲) و سپس تفکیک وظایف تبلیغی و ارشادی و هنری و قسمتی از وظایف فرهنگی از وزارتخانه اخیر و تشکیل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مأخذ ۳)؛

● - انحلال یا تعطیل شورای آموزش کشور، شورای مرکزی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، شورای پژوهشهای علمی کشور (تا سال ۱۳۶۵)، شورای توسعه و تشویق پژوهشهای علمی، شورای شاهنشاهی آموزش عالی؛

● - تعطیل کنفرانسهای انقلاب آموزشی رامسر؛

● - تصویب قانون تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی که به عنوان مرجع تعیین خط مشی آموزش عالی، فرهنگ و پژوهشهای علمی کشور شناخته شده و وظیفه بررسی و تصویب هدفهای نظام آموزش عالی و هدایت امور پژوهشی و فرهنگی کشور به آن واگذار شده بود (مأخذ ۴ - ماده ۷)، این شوراهای دلیل وقوع انقلاب فرهنگی و تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی فرصت تشکیل نیافت؛

● - تأسیس ستاد انقلاب فرهنگی (مأخذ ۵) و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی که بالاترین مرجع تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و تا حدودی قانون‌گذاری در امور فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و نیز هدایت مهمترین امور مربوط به آموزش و پرورش کشور، خاصه آموزش عالی می‌باشد (مأخذ ۶ - بند ب)؛

● - تأسیس شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور که به عنوان عالیترین مرجع تعیین خطوط اصلی و سیاستهای آموزش فنی و حرفه‌ای کشور تعیین شد و مأمور به ایجاد هماهنگی لازم از نظر برنامه‌ها و استفاده کامل از امکانات گردید (مأخذ ۷)؛

● - انحلال شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای (مأخذ ۸ - ماده ۱)؛

● - تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش که ابتدا با اختیارات وسیع به عنوان مرجع تعیین‌کننده خط مشی کلی آموزش و پرورش و بررسی و تصویب هدفها و هدایت امور آموزش و پرورش کشور شروع به کار کرد (مأخذ ۹ - ماده ۶) و سپس این اختیارات با تشکیل ستاد و شورای عالی انقلاب فرهنگی، عملاً و با تصویب اصلاحیه مجلس شورای اسلامی، رسماً محدود گردید. (مأخذ ۱۰ - ماده ۱)؛

● - کم‌شدن یا توقف فعالیت‌های شورای عالی کارآموزی، شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (نام جدید شورای سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی)، شورای سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور، شورای عالی آموزش کشاورزی؛

● - انحلال کمیتهٔ پیکار با بیسوادی و تشکیل نهضت سوادآموزی (مأخذ ۱۱) و شورای عالی پشتیبانی نهضت سوادآموزی (مأخذ ۱۲) و تمرکز سیاستها و امکانات برای امر مبارزه با بیسوادی در یک ساختار تشکیلاتی و اجرایی منعطف؛

● - انحلال هیأت امنای کلیهٔ دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تشکیل هیأت سه نفره جانشین هیأت امنای و حذف امتیازات این قبیل مؤسسات در امور اجرایی و مالی و تشکیل مجدد هیأت امنای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در طول سال ۱۳۷۰ و بر اساس مناطق دانشگاهی کشور (مأخذ ۱۳)؛

● - انحلال مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی و ادغام آن در وزارت فرهنگ و آموزش عالی؛

- تقویت دفاتر برنامه و بودجه استانها و تبدیل آنها به سازمان برنامه و بودجه استانها (مأخذ ۱۴) و متعاقب آن افزایش اختیارات اجرایی و سهم بودجه‌های جاری و طرحهای عمرانی استانی در بودجه کل کشور؛

۲ - تحولات نظام برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پی‌گیری امر تصویب برنامهٔ پنجسالهٔ ششم عمرانی کشور، متوقف ماند و کارهای مربوط به جمع‌بندی نهایی و تدوین لایحهٔ برنامه برای تصویب مراجع قانونگزاری دنبال نشد. علاوه بر آن، در پی پیروزی انقلاب اسلامی حتی ادامهٔ پاره‌ای از طرحهای عمدهٔ برنامهٔ پنجم، به دلایل مختلف، از جمله متزلزل شدن وضع شرکتهای خارجی و ایرانی مهندسی مشاور و پیمانکارانی که به طریقی به رژیم فاسد گذشته مرتبط و وابسته بودند نیز متوقف شد. البته به دلیل نوع و حجم فعالیت‌های آموزشی، نفوذ این شرکتهای در این بخش محدود بود و اثر این تصمیمات در بخش آموزش و پرورش بیشتر معطوف بر طرحهای توسعه دانشگاهها و معدودی طرحهای ساختمانهای آموزشی پیش‌ساخته با پیمانکاران خارجی بود. اما در برابر، خاصه در زمینه آموزش و پرورش عمومی، بدون آنکه از برنامهٔ خاصی پیروی شود، سرمایه‌گذاری قابل توجهی در امر مدرسه‌سازی انجام گرفت. عملیات تهیهٔ اولین برنامهٔ توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران پس از چند بار دورخیز ناموفق که در اواخر سال ۱۳۵۹ و نیمه اول ۱۳۶۰ انجام گرفت، بالاخره با تصویب "نظام برنامه‌ریزی کشور" در دی‌ماه ۱۳۶۰ توسط شورای اقتصاد آغاز شد (مأخذ ۱۵). دوره این برنامه ۵ سال از ابتدای سال ۱۳۶۲ تا پایان ۱۳۶۶ تعیین شده بود. اما پس از تصویب لایحه برنامه در شورای اقتصاد و هیأت دولت، بررسی آن در مجلس شورای اسلامی متوقف ماند. عملیاتی نیز که به سفارش کمیسیون ویژه برنامه برای اصلاح آن در سال ۱۳۶۴ آغاز شده بود، در پی بحران اقتصادی سالهای ۶۵ و ۶۶ ناشی از کاهش بهای نفت و تشدید فشارهای جنگ تحمیلی، به نتیجه نرسید. بالاخره در نیمه دوم سال ۱۳۶۷، پس از توقف عملیات جنگ تحمیلی، مجدداً عملیات تهیه برنامه آغاز شد که در تیرماه ۱۳۶۸ به صورت لایحه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدوین شد و پس از اصلاح قانون اساسی و تشکیل دولت جدید، مراحل تصویب آن در هیأت وزیران و مجلس شورای اسلامی طی شد و در ۱۱ بهمن ۱۳۶۸ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید. این برنامه از سال ۱۳۶۸ شروع شده و در سال ۱۳۷۲ پایان می‌پذیرد. (مأخذ ۱۶)

۳- بررسی تحولات نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در این دوره

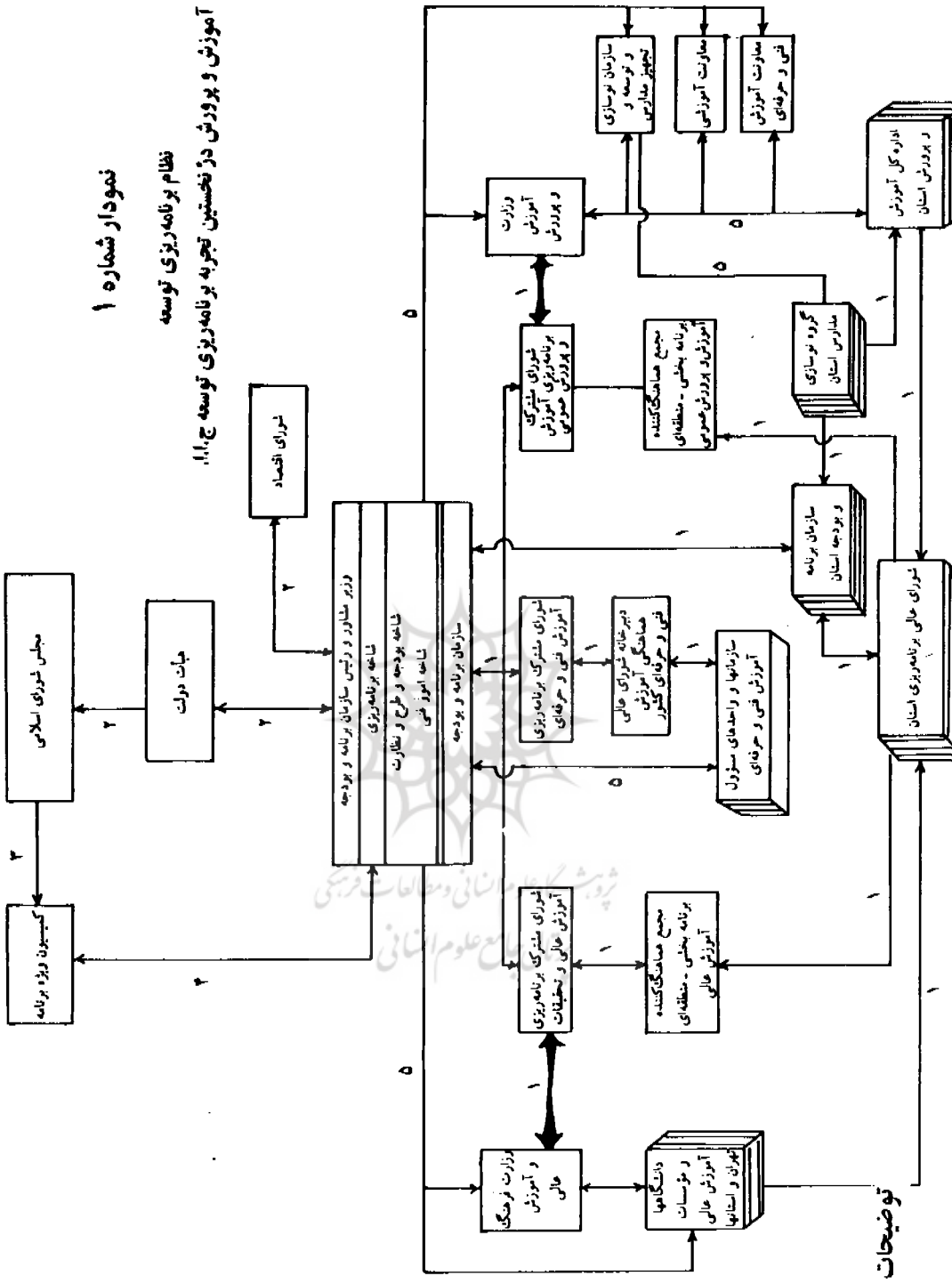
در نمودارهای ۱ و ۲، نظام برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در این دوره و وضعیت نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در درون آن نشان داده شده است. زیربنای تشکیلات این نظام، اساساً همان است که قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ مقرر داشته است؛ با این تفاوت که هر بار متناسب با ضرورت زمان و مقتضیات اجرایی، در ترکیب شوراها و قلمرو فعالیت آنها تغییراتی داده شده است.

در نمودار شماره ۱، نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور و از آن جمله آموزش و پرورش، در نخستین تجربه تهیه برنامه اول نشان داده شده است. به طوری که ملاحظه می‌شود، شورای مشترک برنامه‌ریزی بخشی در آموزش و پرورش، آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای به طور مستقل از یکدیگر تشکیل شد. در استانها نیز زیر نظر شورای برنامه‌ریزی استان، شورای برنامه‌ریزی امور اجتماعی و نیروی انسانی و زیر نظر آن کمیته‌های برنامه‌ریزی آموزش و پرورش و آموزش عالی تشکیل شد. نتیجه کار شورای مشترک برنامه‌ریزی بخشی و شورای استان در مجمع تصویب‌کننده برنامه‌های بخشی منطقه‌ای باید تلفیق و تعدیل می‌شد. در عمل این مجامع فقط کار هماهنگی را انجام می‌دادند و امر تصویب به عهده وزیر ذریبط واگذار شد. شوراها برنامه‌ریزی شهرستان، بخش و ده نیز که در نظام مصوب پیش‌بینی شده بود، تشکیل نگردید.

در زمان تهیه دومین برنامه اول توسعه آموزش و پرورش، همان طور که در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود، مطابق با ضرورتها، شرایط و مصلحت‌اندیشیهای وقت، در نظام

نمودار شماره ۱

نظام برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش در نخستین تجربه برنامه ریزی توسعه ج.ا.ا.



مجلس شورای اسلامی

حکومت

شورای اقتصاد

وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه
شعبه برنامه ریزی
شعبه بودجه و طرح و نظارت
شعبه آموزشی

شورای مشترک برنامه ریزی
آموزش عالی و تحقیقات

مجمع هماهنگ کننده
برنامه بخشی - منطقه ای
آموزش عالی

سازمانها و واحدهای مسئول
آموزش فن و حرفه ای

سازمان برنامه
و بودجه استان

شورای عالی برنامه ریزی استان

وزارت فرهنگ
و آموزش عالی

دانشگاهها
و مؤسسات
آموزش عالی
تجربان و استانی

دبیرخانه شورای عالی
هماهنگی آموزش
فنی و حرفه ای کشور

مجمع هماهنگ کننده
برنامه بخشی - منطقه ای
آموزش - پرورش عمومی

گروه نوسازی
مدارس استان

اداره کل آموزش
و پرورش استان

سازمان نوسازی
و توسعه و
تجهیز مدارس

سازمان آموزشی

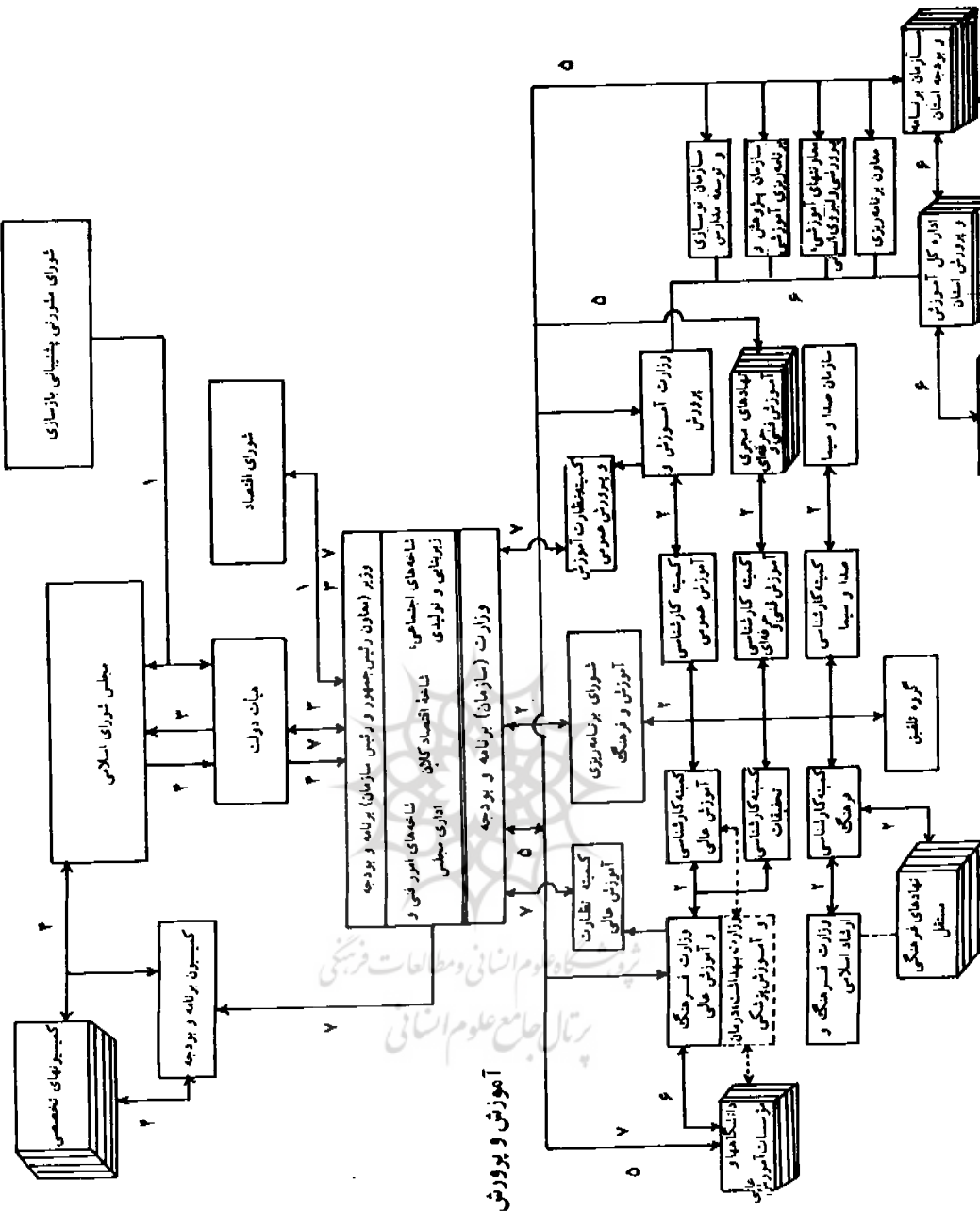
سازمان حرفه ای
آموزش

شرح نمودار شماره ۱

- ۱ - وزارتخانه‌ها و سازمانهای آموزشی از طریق سه شورای مشترک برنامه‌ریزی (آموزش و پرورش عمومی - آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی و تحقیقات) مسؤلیت تهیه و پیشنهاد برنامه توسعه بخشهای سه‌گانه آموزش و پرورش را بر عهده دارند. پیشنهادهای ادارات کل آموزش و پرورش و نیز مؤسسات آموزش عالی استانها که در شورای عالی برنامه‌ریزی استان مورد بررسی قرار گرفته است، با برنامه‌های تهیه شده در شورای مشترک برنامه‌ریزی بخشها در مجمع هماهنگ‌کننده برنامه‌های بخشی - منطقه‌ای که در برگزیده نمایندگانی از کلیه شوراهای عالی برنامه‌ریزی استانهاست مورد رسیدگی و تلفیق قرار می‌گیرد. شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای که نقش شورای مشترک برنامه‌ریزی آموزش فنی و حرفه‌ای را بر عهده دارد، فاقد مجمع هماهنگ‌کننده برنامه‌های بخشی - منطقه‌ای است.
- ۲ - برنامه‌های پیشنهادی مجمع هماهنگ‌کننده برنامه‌های بخشی - منطقه‌ای در سازمان برنامه و بودجه تلفیق شده و پس از تأیید شورای اقتصاد، به صورت نهایی در هیأت وزیران مطرح شده و به تصویب می‌رسد و به صورت لایحه دولت به مجلس شورای اسلامی ارسال می‌گردد.
- ۳ - لایحه دولت، برای رسیدگی به کمیسیون ویژه فرستاده می‌شود. این کمیسیون مرکب از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس و نمایندگان از کمیسیونهای تخصصی مجلس است.
- ۴ - کمیسیون ویژه به کمک سازمان برنامه و بودجه، بررسی برنامه را آغاز می‌کند و برای اصلاح برنامه رهنمودهایی ارائه می‌کند.
- ۵ - سازمان برنامه و بودجه به کمک وزارتخانه‌های ذیربط، نسبت به اصلاح برنامه، در قالب سیاستها و خط مشیهای کمیسیون ویژه مجلس شورای اسلامی، اقدام می‌کند؛ اما این اقدامات به نتیجه نهایی نمی‌رسد.

برنامه‌ریزی توسعه تغییراتی داده شد. از این قرار که بر خلاف تجربه نخستین که برای هر یک از بخشهای برنامه توسعه، شورای مستقلی تشکیل داده شده بود، در این تجربه برای هر چند بخش متجانس، یک شورا تشکیل گردید. بدین ترتیب بخشهای آموزش و پرورش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی، تحقیقات، فرهنگ و هنر، ارتباطات جمعی و جهانگردی در شورای برنامه‌ریزی آموزش و فرهنگ قرار گرفتند.

تغییر دیگری که در تجربه دوم در مقایسه با نخستین تجربه داده شده بود، در ترکیب اعضاء شورا بود. در شورای مشترک برنامه‌ریزی تجربه نخست، از ۹ نفر عضو شورا، ۸ نفر کارشناس ورزیده یا استاد دانشگاه بودند؛ در حالیکه در شورای برنامه‌ریزی آموزش و فرهنگ، اعضاء عمدتاً از وزرا و مقامات مسؤل اجرایی دولت بودند و مقرر بود که کارشناسان هر بخش در "کمیته‌های کارشناسی بخش" ذیربط، امر برنامه‌ریزی را در قالبها و بر اساس هدفها و سیاستها و راهبردهای تعیین شده از طرف شورا دنبال کنند. تفاوت سوم نسبت به تجربه نخست، حذف عملی جنبه برنامه‌ریزی منطقه‌ای از نظام برنامه‌ریزی توسعه بود. و بالاخره تفاوت چهارم، برجسته‌تر شدن نقش نهادهای سیاستگزاری مشرف بر دولت بود. این نقش در تجربه اول به شورای اقتصاد واگذار شده بود که ترکیب غالب اعضاء آن را وزرای امور اقتصادی دولت تشکیل می‌دادند؛ در حالی که در تجربه دوم، سیاستگزاری بر عهده کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی و شورای مشورتی پشتیبانی



نمودار شماره ۲

نظام برنامه‌ریزی توسعه

آموزش و پرورش در دومین تجربه برنامه‌ریزی توسعه ج.ا.ا.

شرح نمودار شماره ۲

- ۱ - در قالب سیاستها و خط مشیهای شوراهای شورتنی پشتیبانی بازسازی و نظرات کمیسیونهای ویژه برنامه (مربوط به نخستین تجربه برنامه ریزی) و برنامه و بودجه، توسط وزارت (سازمان) برنامه و بودجه برنامه کلان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدوین شده به تصویب شورای اقتصاد می‌رسد.
 - ۲ - وزارتخانه‌ها و سازمانهای آموزشی (و فرهنگی) از طریق کمیته‌های کارشناسی برنامه ریزی، مسؤلیت تهیه و تدوین برنامه کلان توسعه بخشهای سه گانه آموزش و پرورش را با رعایت سیاستها و در قالب اعتبارات برنامه کلان توسعه بر عهده دارند. نتیجه کار این کمیته‌ها در شورای برنامه ریزی آموزش و فرهنگ مطرح می‌شود و با کمک کارشناسان "گروه تلفیق"، مورد بررسی، تلفیق و تأیید قرار می‌گیرد.
 - ۳ - برنامه‌های کلان تهیه شده، توسط سازمان (وزارت) برنامه و بودجه مورد رسیدگی نهایی قرار گرفته پس از تلفیق با برنامه سایر شوراهای مشابه، برای تصویب به شورای اقتصاد ارسال می‌گردد. متن نهایی لایحه برنامه در هیأت دولت به تأیید می‌رسد و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارسال می‌گردد.
 - ۴ - برنامه در کمیسیونهای تخصصی (آموزش عالی، آموزش و پرورش) و برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و پس از تصویب برای اجرا به دولت ابلاغ می‌شود.
 - ۵ - سازمان برنامه و بودجه به کمک دستگاههای اجرایی (وزارتخانه‌های آموزشی ذیربط، دانشگاهها، مؤسسات آموزش عالی، نهادهای مسؤل آموزش فنی و حرفه‌ای، سازمان برنامه و بودجه استانها و ادارات کل آموزش و پرورش)، برنامه‌های اجرایی هر واحد ملی یا منطقه‌ای را در قالب قوانین بودجه سال مشخص می‌کند.
 - ۶ - دستگاههای اجرایی در قالب منابع و سیاستهای قوانین بودجه و با رعایت دستورالعملهای وزارتخانه‌های ذیربط به اجرای برنامه اقدام می‌کنند.
 - ۷ - سازمان برنامه و بودجه بر پایه آئین‌نامه مصوب شورای اقتصاد و با کمک دستگاههای اجرایی، بر چگونگی پیشرفت عملیات اجرایی برنامه نظارت می‌کند و گزارشهای نش مأمه نظارنی را برای اطلاع به شورای اقتصاد، هیأت دولت و کمیسیونهای برنامه و بودجه و تخصصی مجلس شورای اسلامی ارسال می‌دارد.
- بازسازی گذاشته شده بود که هم تصویب برنامه را تسهیل و تسریع کرد و هم موجب شد جنبه‌های فرهنگی و آموزشی با عنایت بیشتری مورد توجه قرار گیرد.
- از نظر اجزاء بخش آموزش و پرورش پاره‌ای از این تفاوتها، خاصه تفاوت اول و چهارم گامی مثبت بود. تجمع ۶ نفر از اعضای هیأت دولت (۴ نفر وزیر، یک معاون نخست‌وزیر و مدیر عامل صدا و سیما) در دفاع از بخش و جذب منابع بیشتر مسلماً موفقتر از روش گذشته که هر یک از مسؤلان اجرایی در مقابل سازمان برنامه و بودجه و شورای اقتصاد قرار می‌گرفتند، عمل می‌کرد. و عملاً نیز تمامی برآوردهای کارشناسی پیشنهادی جهت تعیین منابع تخصیص یافته به بخش آموزش و پرورش و سایر بخشهای زیر پوشش شورای برنامه ریزی آموزش و فرهنگ، به طور چشمگیری افزایش داده شد. همچنین از لحاظ شکلی و اعمال پاره‌ای ظوابط و معیارها در محاسبه نیازهای بخشهای متجانس فرهنگی هماهنگی بیشتری بین این چند بخش به وجود آمد. این امر بیشتر ناشی از تعیین گروه کارشناسی تلفیق برنامه بود که تا حدودی از ناهماهنگیها کاست.
- اکنون سیر تحولات هر یک از عناصر پنجگانه نظام برنامه ریزی توسعه آموزش و

پرورش در این دوره به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱ - ۳ - طراحی برنامه:

الف - در قلمرو آموزش و پرورش عمومی:

گفته شد که در تشکیلات وزارت آموزش و پرورش در پایان مرحله دوم تغییراتی صورت گرفت که حاصلش پُرمردن توان فنی برنامه‌ریزی توسعه بود. این وضعیت در تمام دوران ۱۲ سال گذشته بهبود نیافته است و کماکان نهاد تشکیلاتی مناسب امر برنامه‌ریزی توسعه در وزارت آموزش و پرورش به وجود نیامده است. در واقع تنها نهاد برنامه‌ریزی توسعه، همان دفتر هماهنگی طرحها و برنامه‌ریزی توسعه است که عمده فعالیتش تدوین و انتشار آمار آموزش و پرورش و برآورد و توزیع استانی ردیفهای استخدامی نیروی انسانی سالانه است؛ و هر از گاهی، هر وقت به مناسبتی پیش‌بینی تعداد دانش‌آموزان برای آینده مورد نیاز باشد، این کار را انجام می‌دهد. در نتیجه این کمبود، شورای برنامه‌ریزی بخش آموزش و پرورش عمومی، در نخستین تجربه برنامه‌ریزی بعد از انقلاب (سال ۱۳۶۱) فاقد توان کارشناسی پشتیبانی‌کننده بود و به دلیل فقدان سمت معاون برنامه‌ریزی، ریاست این شورا را مدتی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و بیشتر معاون امور آموزشی وزارت آموزش و پرورش بر عهده داشت و کارهای فنی را به صورت پراکنده، کارشناسان دفاتر مختلف ستادی، با همکاری کارشناسان برنامه و بودجه، به طور ناقص انجام می‌دادند. در این تجربه قرار بود تشکیلات برنامه‌ریزی از سطح ملی به سطح استان، شهرستان، بخش و ده تعمیم داده شود. ولی در عمل، برنامه‌ریزی در سطح استان متوقف ماند. وزارت آموزش و پرورش در سطح استانها توان کارشناسی نسبتاً قوی‌تری برای تدوین برنامه توسعه آموزش و پرورش منطقه بسیج کرده بود و بر اثر آن نیز کمیته مشترک برنامه‌ریزی بخشی منطقه‌ای آن فعالیت متمرکزی را به انجام رساند که هر چند در اسناد برنامه انعکاس چندانی نیافت، اما از نظر حجم کار در تاریخ برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش بی‌نظیر بود. مسلماً سازمانهای برنامه و بودجه استانها که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از نظر تشکیلات اداری از سطح دفتر به سطح سازمان ارتقاء یافته بودند، در این بسیج برنامه‌ریزی، نقش عمده‌ای ایفا کردند. گزارشهای ارزشیابی گذشته و وضع موجود بخش آموزش و پرورش که توسط کارشناسان سازمان برنامه و بودجه با همکاری نزدیک کارشناسان آموزش و پرورش استانها تهیه شد (مأخذ ۱۷) خود مؤید این امر است.

در مجموع بر این سازماندهی جدید، در امر برنامه‌ریزی توسعه، فواید چندی مترتب بود؛ از آن جمله: تربیت نیروی کارشناسی در سطح استانها، جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تر و جدیدتر، توجه به جنبه منطقه‌ای برنامه‌ریزی بخشی، و مشارکت دادن کارشناسان استانها در تعیین سهم هر استان در برنامه کشوری (کلان) توسعه آموزش و پرورش. ولی از یک طرف

به دلیل نقص عمده‌ای که در هدایت برنامه‌ریزی و تلفیق برنامه‌های بخشی بر نظام برنامه‌ریزی حاکم بود و مورد تأیید مسؤلان و دست‌اندرکاران بلندپایه وقت قرار گرفته است (مأخذ ۱۸ - ص ۲۱) و از طرف دیگر ضعف کارشناسی و فقدان واحدهای ستادی پشتیبانی‌کننده جریان برنامه‌ریزی در وزارت آموزش و پرورش، نتیجه کار ناقص از کار درآمد و به سبب رها کردن دنباله کار فرصت تهیه برنامه‌های اجرایی استانی و منطقه‌ای نیز از دست رفت.

در فاصله تجربه اول برنامه‌ریزی تا سال ۱۳۶۷ که دومین تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش انجام گرفت، کوششی برای رفع نواقص تشکیلات برنامه‌ریزی در وزارت آموزش و پرورش و پروراندن و پایدار کردن دست‌آوردهای نخستین تجربه برنامه‌ریزی به عمل نیامد. تا آن که در سال ۱۳۶۵ بار دیگر عنوان برنامه‌ریزی به دنبال عنوان معاونت هماهنگی و امور استانها در وزارت آموزش و پرورش اضافه شد؛ البته بدون آن که سازماندهی و تشکیلات خاصی برای این منظور در آن معاونت که فاقد هرگونه دفتر ستادی (مأخذ ۱۹ - نمودار تشکیلات) بود، ایجاد گردد. و به همت مسؤل معاونت مزبور و نیروی کارشناسی استانها، برنامه‌هایی برای توسعه آموزش و پرورش که حاوی هدفهای کمی، سیاستها و برآورد نیروی انسانی مورد نیاز تا سال ۱۳۷۱ بود، تدوین شد. این کوشش بعد از تعدیلهایی که در آن به عمل آمد، در سال ۱۳۶۷ به کمیته مسؤل برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش عمومی ارائه شد. اما با این وجود، این کار نیز به صورت مقطعی و گذرا به عنوان یک وظیفه جنبی و بدون چهارچوب سازمانی و تشکیلاتی ثابت، صورت پذیرفت که مسلماً فایده آن به همان چند جلد گزارش تهیه شده محدود می‌گردد.

بی‌اعتنایی نسبت به تقویت نهاد برنامه‌ریزی در وزارت آموزش و پرورش تا زمان تهیه دومین برنامه اول توسعه همچنان ادامه یافت و هنوز هم که در پایان سال سوم اجرای برنامه اول قرار داریم، فقط علایمی از آغاز یک اقدام نسبتاً جدی و گسترده در این زمینه مشاهده می‌شود که از آن میان می‌توان اشاره کرد که از اوایل سال ۱۳۶۹ در وزارت آموزش و پرورش، معاونت برنامه‌ریزی - با انتقال دفتر هماهنگی طرحها و برنامه‌ریزی توسعه از معاونت آموزشی و افزودن دفتر جدیدالتأسیس خدمات ماشینی بر آن - شکل گرفته است. و با ورود کاربرد استفاده از کامپیوتر در آموزش و پرورش، مسأله نظام یافته حرکت کردن و پردازش سریعتر اطلاعات برای مصارف جاری، به تدریج جا باز می‌کند.

در چنین وضعیتی، امر تهیه و تدوین برنامه توسعه آموزش و پرورش را در قالب دستورالعملها و نظرات مطروحه در مراجع مختلف تصمیمگیری، واحد مربوط در سازمان برنامه و بودجه عهده‌دار بوده است. تا آنجا که در قالب برنامه کلان مصوب بخش، به تهیه برنامه کلان استانها، تسهیم منطقه‌ای اهداف و منابع مالی بر آموزش و پرورش اقدام کرده است. این فعالیت، با مشارکت مستقیم سازمان برنامه و بودجه استانها و از طریق آن با

همکاری ادارات کل آموزش و پرورش استانها انجام گرفت و تا حدودی مبنای تخصیص بودجه‌های عمرانی سالانه قرار گرفته است. (مأخذ ۲۰ - جلد‌های اول تا سوم)

ب: در قلمرو آموزش فنی و حرفه‌ای:

در نخستین تجربه طراحی برنامه اول، تدوین برنامه توسعه بخش آموزش فنی و حرفه‌ای بر عهده شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای محول شد. این شورا که قبلاً در اجرای وظایف اصلی خویش، کمیته‌ای مرکب از کارشناسان میرز و زارخانه‌های عضو شورا، برای تدوین طرح جامع آموزش فنی و حرفه‌ای تشکیل داده بود، از همان کمیته خواست که کار خود را در جهت تنظیم برنامه پنجساله توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای متمرکز نماید. (مأخذ ۲۱ - ص ۳). بدین ترتیب در تاریخ برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش دومین برنامه مستقل توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای (نخستین آن در برنامه پنجساله سوم تهیه شده بود) تهیه شد.

در دومین تجربه تهیه برنامه اول، چون شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای فعالیتی نداشت، شورای برنامه‌ریزی آموزش و فرهنگ، با تأیید شورای اقتصاد، کمیته‌ای مرکب از نمایندگان چند دستگاه فعال در اجرای آموزشهای فنی و حرفه‌ای را مأمور تهیه برنامه کرد. نتیجه کار این کمیته به صورت دو گزارش که یکی به بررسی عملکرد گذشته و وضع موجود و دیگری به هدفها و راهبردها و برنامه اجرایی اختصاص داشت، انتشار یافته است.

در هر دو تجربه مذکور، وظیفه برنامه‌ریزی به صورت مقطعی انجام گرفت و فقط به تهیه متن برنامه کلان توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای محدود شد؛ و پس از انجام این کار، کمیته برنامه‌ریزی منحل شد. هر چند که تا سال ۶۳ شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای به شکل محدودی فعالیت برنامه‌ریزی را ادامه داد، اما این فعالیتها نیز در امتداد برنامه کلان توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای و تعمیق و تفصیل آن صورت نمی‌گرفت (مأخذ ۲۲، ص ۵). اکنون نیز با آن که طبق تبصره ۲۴ قانون برنامه پنجساله اول دولت موظف شده است برای سیاستگزاری و برنامه‌ریزی آموزش فنی و حرفه‌ای یک نهاد کارآ ایجاد کند، اما این مهم تا زمان تهیه این مقاله (سه ماهه چهارم ۱۳۷۰) معوق مانده است. حرکت برنامه‌ریزی توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای که در تجربه دوم به طور موقت شروع شده بود، در سازمان برنامه و بودجه با تهیه برنامه استانی آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای در ابتدای سال ۶۹ پایان یافت (مأخذ ۲۳). هر چند که در زمینه تهیه برنامه کلان آموزشهای فنی و حرفه‌ای در این دوره پیشرفتی حاصل نشده است، اما در درون وزارتخانه‌های غیر-آموزشی، توجهی خاص به برنامه‌ریزی آموزش فنی و حرفه‌ای معطوف گشت که نمونه بارز آن در وزارت صنایع سنگین - سازمان گسترش و نوسازی صنایع، وزارت نیرو و تا حدودی در وزارت معادن و فلزات، وزارت صنایع و راه و ترابری ملاحظه می‌گردد.

جمع‌بندی این تحولات نشان می‌دهد که هر چند پس از پیروزی انقلاب اسلامی عنایت خاصی برای سامان دادن به امر برنامه‌ریزی آموزش فنی و حرفه‌ای به عمل آمد، اما به علت آن که تصدی آن به صورت یک فعالیت جنبی و بر اساس رأی اعضای شورا بر عهده یکی از اعضای محول می‌شد، به مجرد آن که جریان کار به یک وزارت غیر آموزشی (وزارت کار و امور اجتماعی) که مسؤول وقت آن به مسایل آموزش فنی و حرفه‌ای کمتر توجه نشان می‌داد، واگذار شد، اصولاً فعالیت شورا متوقف شد و عوامل برونی غیر قابل کنترل، همانند شرایط جنگ تحمیلی و بحرانهای اقتصادی سالهای ۶۵ تا ۱۳۶۷ نیز بهانه قابل توجهی برای تعطیل این فعالیتها در اختیار مسؤولان امر قرار داد. این تجربه بار دیگر نشان داد که کارآیی نهادهایی همانند شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای، هنگامی کارآمد و مؤثر واقع خواهد شد که حداقل نهادی در دستگاه دولت مصراً خواستار فعالیت شورا بوده و آنرا از نظر فنی پشتیبانی و تغذیه کند.

ج - در قلمرو آموزش عالی

پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن وقوع انقلاب فرهنگی در اواخر بهار ۱۳۵۹ بیش از همه بر آموزش عالی و از همه اجزاء آن بیشتر، بر نهادهای برنامه‌ریزی و هماهنگ‌کننده این بخش تأثیر گذاشت. در واقع، از ابتدای پیروزی انقلاب طرحهای توسعه در دست اجرای عموم دانشگاهها متوقف شد تا در آن تعدیلهای لازم صورت پذیرد و همزمان با آن مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی منحل شد و تعداد معدود نیروهای آن در سازماندهی جدیدی که بعداً نیز در تهیه برنامه‌های آموزش عالی مشارکت چندانی نداشتند، در مرکز برنامه‌ریزی آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی به کار گمارده شدند.

به هنگام نخستین تجربه تهیه برنامه اول توسعه در سال ۱۳۶۱ در جو پویای انقلاب فرهنگی و فعالیت برنامه‌ریزی وسیعی که توسط گروه‌های تخصصی وابسته به ستاد انقلاب فرهنگی در زمینه‌های مختلف کیفی و کمی آموزش عالی به راه افتاده بود و نیز به واسطه تشکیلات نظام برنامه‌ریزی که موجب جلب مشارکت دانشگاههای استانها در تدوین برنامه توسعه آموزش عالی شد، برای نخستین بار در تاریخ برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش به بُعد منطقه‌ای آموزش عالی توجه خاص مبذول شد. وزارت فرهنگ و آموزش عالی، کمبود کارشناسان برنامه‌ریزی را به طور موقت با استفاده از نمایندگان اعزامی از استانها تا حدودی جبران کرد. ولی فعالیت برنامه‌ریزی توسعه ادامه نیافت و با متوقف شدن جریان تصویب برنامه در مجلس شورای اسلامی، مجدداً سرنوشت برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی تحت تأثیر تصمیم‌گیرهای مستقل از یکدیگر چهار نهاد: ستاد انقلاب فرهنگی که هدایت امر بازگشایی و نوگشایی رشته‌ها و دوره‌های آموزش عالی را بر عهده داشت، سازمان برنامه و بودجه، شورای گسترش آموزش عالی و نهاد مسئول اجرای آزمون

سراسری که جریان ورود دانشجویان جدید را به آموزش عالی تنظیم می‌کرد، به شکل هدایت‌نشده‌ای جریان یافت. تفکیک مسئولیت آموزش عالی به دو شاخه پزشکی و غیر-پزشکی و واگذاری آموزش عالی پزشکی به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تلاطم دیگری را نیز در اواخر سال ۱۳۶۶ در امر طراحی و برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی به وجود آورد. و بالاخره از یکسو، ایجاد مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی، عمدتاً دانشگاه آزاد اسلامی، که خارج از اشراف وزارت فرهنگ و آموزش عالی با سرعت قابل توجهی در همه نقاط کشور گسترش می‌یابد، و از سوی دیگر، مجوزهای صادره از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور، برای ایجاد دوره‌های معادل کاردانی، کارشناسی و حتی کارشناسی ارشد، که بدون هماهنگی نظام یافته و مؤثر نظام آموزش عالی کشور و در سطح گسترده‌ای انجام می‌گیرد، بر دامنه و شدت این تلاطم می‌افزاید.

در حال حاضر، شورای گسترش آموزش عالی در وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مشابه آن در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، از طریق صدور مجوزهای تأسیس و توسعه رشته‌ها و مؤسسات آموزش عالی، بیش از هر نهاد دیگری مؤثر است. این شوراهای، از پشتیبانی فنی و کارشناسی منسجمی برخوردار نیستند و کارهای کارشناسی به کمک کمیته‌های تخصصی وابسته به شورا صورت می‌گیرد. کمیته‌هایی که کمتر به چشم‌انداز درازمدت توسعه آموزش عالی و مسایل مرتبط با آن عنایت داشته، غالباً از دیدگاه محدود تخصصهای دانشگاهی به توسعه رشته تخصصی خود توجه می‌کنند. در این میان حرکت برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، به کندی اما مستمر فقط در واحد مسؤول امور آموزش عالی سازمان برنامه و بودجه دنبال شده است که نتیجه آن به صورت مکتوب جمع‌آوری و منتشر شده است و بیشتر معطوف به جنبه‌های کالبدی توسعه آموزش عالی می‌باشد (مأخذ ۲۴). در درون وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیز اخیراً حرکتی برای احیاء مجدد نهادی شبیه مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی به چشم می‌خورد؛ اما هنوز جنبه قانونی به خود نگرفته است. در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی نیز مرکزی به همین منظور مدتی است امر پشتیبانی فنی توسعه آموزش پزشکی را عهده‌دار است.

د - جمع‌بندی وضعیت طراحی برنامه

به طوری که ملاحظه می‌شود، تشکیلات برنامه‌ریزی در قلمرو آموزشهای عمومی، فنی و حرفه‌ای و عالی در این دوره عمدتاً جنبه موقتی داشته، به اقتضای وضعیت روز و بر اثر فشار وارده از طرف سازمان برنامه و بودجه و هیأت دولت به امر برنامه‌ریزی پرداخته‌اند و فاقد تشکیلات و سازماندهی مناسب برای تداوم امر برنامه‌ریزی بوده‌اند. از این لحاظ باید اذعان کرد که توان سازماندهی و کارشناسی برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش نه تنها در یازده سال اخیر تقویت نشده، بلکه به طور چشمگیری تحلیل رفته است.

۲-۳- تلفیق برنامه

در زمینه تلفیق برنامه‌ها، هر چند که مطابق روال گذشته، نقش اساسی را سازمان برنامه و بودجه با برخورداری از قدرت سیاسی شورای اقتصاد بر عهده داشت، اما در تجربه دوم تدوین برنامه اول توسعه، شیوه سازماندهی شوراهای مشترک برنامه‌ریزی، به ترتیبی که قبلاً شرح آن گذشت، تا حدودی امر تلفیق برنامه را در بخشهای متجانس - از جمله آموزش و فرهنگ - بر عهده شوراهای مذکور گذاشت. با این حال مُعضل تلفیق برنامه‌های بخشهای آموزشی با دیگر بخشهای فعالیت اقتصادی - اجتماعی بوده، خاصه در زمینه نیازهای نیروی انسانی و نیازهای تحقیقاتی گام جدید و مؤثری برداشته نشده است. این نکته که مبین میزان انسجام و جامعیت برنامه می‌باشد، حائز اهمیت خاصی است و انشاءاله به هنگام بررسی روشهای برنامه‌ریزی در فرصت دیگری مورد بحث و بررسی بیشتری قرار خواهد گرفت.

۳-۳- تصویب برنامه

یکی از بارزترین تفاوت‌های مرحله سوم برنامه‌ریزی توسعه با مراحل اول و دوم، برخورد فعال نهاد قانونگزاری با برنامه‌های توسعه بوده است. مجلس شورای اسلامی برای بررسی نخستین لایحه برنامه اول توسعه، کمیسیون ویژه‌ای را مرکب از نمایندگان کمیسیونهای تخصصی و کمیسیون برنامه و بودجه مأمور کرد. این کمیسیون زمان قابل توجهی را برای این کار صرف کرد و بالاخره به این نتیجه رسید که هدفها، راهبردها و سیاستهای برنامه باید مورد تجدید نظر کلی قرار گیرد و خود با همکاری کارشناسانی از سازمان برنامه و بودجه، به تدوین آنها همت گماشت و بدین وسیله هدایت امر اصلاح برنامه پیشنهادی دولت را بر عهده گرفت. ولی پس از بروز مشکلات اقتصادی سال ۱۳۶۵، فعالیت‌های اصلاح برنامه و این کمیسیون متوقف شد و عملاً رسیدگی به لایحه پیشنهادی دولت از دستور کار مجلس خارج گردید. این برخورد فعال مجلس شورای اسلامی با برنامه توسعه موجب شد که در دومین تجربه تهیه برنامه اول، دولت کار برنامه‌ریزی را از آنجا آغاز کند که کمیسیون ویژه برنامه مجلس شورای اسلامی رها کرده بود. علاوه بر آن، هدفها، راهبردها و سیاستهای تدوین شده مورد بررسی شورای پشتیبانی بازسازی کشور نیز قرار گرفت و از این لحاظ مقبولیت بیشتری یافت. در تجربه دوم نمایندگان کمیسیونهای تخصصی مجلس شورای اسلامی، به عنوان ناظر به شوراهای مشترک برنامه‌ریزی دعوت شدند و علاوه بر آن، کمیسیونهای تخصصی و کمیسیون برنامه و بودجه مجلس به صورت مستمر و از جمله از طریق تشکیل جلسات مشترک با هیأت دولت و هیأت رئیسه مجلس و پاره‌ای از نمایندگان مردم، در جریان فعالیت‌های تدوین برنامه قرار گرفت. به این ترتیب

هنگام بررسی متن جدید لایحه برنامه اول توسعه در مجلس شورای اسلامی، زمینه و آمادگی نسبتاً کافی برای این امر مهم به وجود آمده بود و مجلس شورای اسلامی با صرف وقت قابل توجهی در کمیسیونها و در جلسات اصلی به تصویب جزئیات برنامه پرداخت و برای نخستین بار در تاریخ چهل ساله برنامه‌ریزی ایران در بهمن‌ماه ۱۳۶۸ برنامه‌های تفصیلی بخشها نیز به عنوان پیوست برنامه به تصویب مجلس رسید. کاری که در گذشته همواره به صورت تشریفاتی بر عهده کمیسیون مشترک مجلسین محول می‌گردید و عملاً انجام نمی‌شد. در این میان بخش آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای در کمیسیون آموزش و پرورش و کار و امور اجتماعی و بخش آموزش عالی در کمیسیونهای آموزش عالی و بهداشت و درمان، مورد بررسی قرار گرفت.

۴-۳- اجرای برنامه

در این مرحله، دخالت سازمان برنامه و بودجه در اجرای برنامه توسعه به حداقل رسید و فقط به تمثیت امور مشاوران و پیمانکاران و تدوین فهرست بهای عملیات سرمایه‌گذاری ثابت و تعیین استانداردهای فنی محدود شد. در بخش آموزش و پرورش عمومی، به تدریج سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور و گروه‌های (مدیریت‌های) نوسازی استانها که رؤسای آنها به عنوان معاون عمرانی مدیران کل آموزش و پرورش شناخته شده‌اند، کلیه کارهای عمرانی را به صورت استانی به اجرا درآورده، تشکیلات و توان کارشناسی نسبتاً قابل توجهی ایجاد کردند که به عقیده بسیاری از کارشناسان و مسؤولان سازمانهای برنامه و بودجه استانها، که بیش از هر نهاد دیگری در جریان توان اجرایی واحدهای مختلف هستند، این گروهها از قویترین نهادهای فنی و اجرایی استانهاست. همین تشکیلات در اجرای طرحهای آموزشهای فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش نیز فعالیت می‌کند. در صورتی که برنامه‌ریزی تفصیلی در سطح استان و منطقه انجام می‌گرفت، نقص عمده‌ای که معمولاً در این نوع سازماندهیها وجود دارد و به صورت تداخل قلمرو اقتدار مدیر کل آموزش و پرورش استان با معاون عمرانی که خود اقتدار خویش را از سازمان مستقلی ماوراء مدیر کل اخذ می‌کند، بروز می‌نماید، می‌توانست به حداقل برسد. بدین ترتیب که برنامه تفصیلی هم چون دستورالعملی تکلیف‌حیطه هر اقتدار را روشن کند. مزیت شیوه فعلی در این است که مسؤولان استانی و منطقه‌ای آموزش و پرورش، اگر واقعاً از دخالت در امور ساختمانی پرهیز کنند، می‌توانند هم خود را مصروف امور کیفی و محتوایی آموزش و پرورش بنمایند.

اما امور اجرایی طرحهای عمرانی سایر فعالیت‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی، در دستگاههای اجرایی ذیربط صورت می‌پذیرد و بر اثر آن نیروی کارشناسی و تشکیلات اجرایی گسترده‌ای در سطح دستگاهها پراکنده شده است و معمولاً قسمت

عمده‌ای از وقت مسؤولان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مصروف پی‌گیری و هدایت امور عمرانی می‌گردد. کاری که غالباً خارج از حیطه تخصص دانشگاهیان قرار دارد. از سال ۱۳۶۸ واگذاری مسؤلیت اجرای پاره‌ای از طرحهای آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای به وزارت مسکن و شهرسازی آغاز شده است؛ اما قضاوت در مورد کارایی این شیوه به دلیل کوتاه بودن زمان اجرای آن میسر نیست. در وزارت فرهنگ و آموزش عالی، عملاً از سال ۱۳۶۵ با تشکیل معاونت طرحهای عمرانی و برعهده گرفتن اجرای طرحهای احداث خوابگاههای دانشجویی و نیز امر توزیع مصالح ساختمانی، تجربه جدیدی از دخالت این وزارت در امور اجرایی توسعه آموزش عالی حاصل آمده است که هر چند به لحاظی بر توان اجرایی آموزش عالی می‌افزاید، اما اثر منفی آن بر اجرای سایر طرحهای عمرانی آموزش عالی محسوس است و باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

اجرای برنامه به لحاظ فعالیتهای جاری چون در قالب بودجه‌های سالانه صورت می‌پذیرد، بر عهده بدنه وزارتخانه‌ها و سازمانهای آموزشی واگذار شده است و در واقع متصدی خاصی ندارد. این نقص در سطح آموزش عمومی به دلیل وجود پاره‌ای از دفاتر ستادی که تصدی آموزشهای ابتدایی، راهنمایی تحصیلی، متوسطه عمومی، تربیت معلم و امثال آن را بر عهده دارند، چندان محسوس نیست. اما در سطح آموزش فنی و حرفه‌ای که اصولاً تشکیلاتی برای تصدی امور ستادی همه انواع آموزشها وجود ندارد، یا در سطح آموزش عالی که غالب وظایف ستادی بر عهده شوراها و ستادهای موردی و گاه موقتی واگذار شده است، اصولاً نمی‌توان انتظار داشت، به طور مستمر واحدی در جریان این گونه امور قرار گیرد و فعالیتهای جاری مؤسسات آموزشی را در چهارچوب برنامه هدایت کند. این نقصی بنیادی و ساختاری است که موجب می‌شود امر اجرای برنامه به لحاظ فعالیتهای جاری آموزشی بدون هدایت برنامه جریان یابد و بیشتر از تمایلات فردی مسؤولان دانشگاهها و تفاهم آنها با سازمان سنجش آموزش کشور برای تعیین تعداد پذیرش هر مؤسسه در آزمون سراسری دوره‌های کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد از یک طرف، و از طرف دیگر، تفاهم آنان با سازمان برنامه و بودجه برای دریافت منابع مالی بیشتر نشأت می‌گیرد.

ولی در سطح آموزش و پرورش عمومی، به دلیل متکی نبودن نظام بودجه‌ریزی بر تشکیلات متناسب با نیازهای برنامه، اصولاً دفاتر ستادی متصدی فعالیتهای مختلف آموزشی و پرورشی - که تماماً در تشکیلات وزارتخانه در تهران مستقر هستند - در جریان امر تخصیص و مصرف بودجه سالانه قرار نمی‌گیرند و فرایند مستقل بودجه استانی، مسیری را می‌پیماید که کارشناسان و مسؤولان اداره کل آموزش و پرورش، سازمان برنامه استان و واحدهای مسؤول آموزش و پرورش عمومی در سازمان برنامه و بودجه بر آن تفاهم کرده‌اند (و احياناً بالاترین سطوح تصمیم‌گیری وزارت آموزش و پرورش نیز بر آن صحه گذاشته‌اند). در چنین وضعیتی به درستی نمی‌توان گفت هدایت عملیات اجرای برنامه

چگونه صورت می‌پذیرد و انحرافات با چه مکانیسمی شناخته شده و برطرف می‌گردد. وزارت آموزش و پرورش در سالهای اخیر با تشکیل ستاد بودجه - نهادی موقت که طی یکی دو ماهه زمان تهیه و بررسی لایحه بودجه در هر سال فعال می‌شود - کوشش کرده است جریان تنظیم و تخصیص بودجه سالانه استانی و کشوری را به نحوی که دفاتر ستادی بتوانند نظرات خود را در آن اعمال کنند، هدایت کند ولی تجربه نشان داده است که این ابزار برای تلفیق فرایند برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی با یکدیگر کفایت نمی‌کند؛ چون همانطور که قبلاً گفته شد، امر برنامه‌ریزی در وزارت آموزش و پرورش اصولاً نهادی نشده است که بتواند ابزار بودجه‌ریزی سالانه را برای هدایت امور به کار گیرد.

۵-۳- نظارت بر برنامه

در این مرحله انتظار می‌رفت در اجرای اصلهای ۱۰۰ تا ۱۰۶ قانون اساسی مبنی بر تشکیل شوراهای مردمی و نقش عمده آنها در نظارت بر فعالیتهای عمرانی دولت، مقوله نظارت بر برنامه به شکل غیر دولتی آن و به موازات نظارتی که از طرف مجلس شورای اسلامی اعمال می‌گردد مورد توجه قرار گیرد، ولی چون تأسیس این شوراها حداقل در سال ۱۳۷۰ صورت نخواهد پذیرفت، امکان استفاده از این نهاد مردمی وجود نخواهد داشت. بنابراین کماکان همانند مرحله دوم، در زمینه نظارت بر برنامه، نقش عمده را سازمان برنامه و بودجه عهده‌دار است. اما چون تا پایان سال ۱۳۶۸ برنامه‌ای در دست اجرا نبود، خود ایفای این نقش به تهیه گزارشهای اقتصادی سالانه و یا گزارشهای ارزشیابی وضع موجود - خاصه در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۷ که مقارن تهیه متون برنامه اول بود - محدود شده بود. علاوه بر آن، به موازات کاهش درآمد ارزی یعنی سالهای ۶۴ تا ۶۷، که پیشرفت کارهای عمرانی با وسعت و پراکندگی سابق امکان پذیر نبود، دولت شیوه خاصی از نظارت را ابداع کرد و آن نظارت بر پیشرفت عملیات طرحهای مهم (= پرهزینه خاصه از لحاظ ارزی) دهه انقلاب بود. در این روش، ستادی در نهاد نخست‌وزیری برای این امر تشکیل شد که سازمان برنامه و بودجه در آن نقش چندانی نداشت و از طریق ابزارهای تخصیص ارز و توزیع مصالح و لوازم و وسایل کار، فعالیتهای عمرانی مورد نظر حمایت می‌شد. در فهرست مشخصات طرحهای مشمول این عنایت خاص، نامی از پروژه‌ها یا طرحهای آموزشی به چشم نمی‌خورد. (مأخذ ۲۵).

در قانون برنامه اول توسعه، مجدداً نقش اصلی سازمان برنامه و بودجه در نظارت بر اجرای برنامه، مورد تأکید قرار گرفته، این سازمان موظف شده است هر ششماه یکبار گزارش عملیات اجرای برنامه را تهیه کند و به هیأت دولت و مجلس شورای اسلامی ارائه دهد. برای تسهیل و سامان دادن به این مهم، به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه در تیرماه ۱۳۶۹ "نظام نظارت بر برنامه اول توسعه" به تصویب شورای اقتصاد رسید (مأخذ ۲۶).

بر اساس این نظام، امر نظارت بر برنامه توسعه بخشها، و از جمله بخشهای آموزشی در چهار سطح مدیریت (کارشناسی)، معاونت، ستاد برنامه و شورای اقتصاد با شرکت کارشناسان، مدیران و معاونان و وزیر ذیربط در دستگاه اجرایی و برنامه و بودجه صورت می‌گیرد و موارد اختلاف نظر در هر سطح به سطح بالاتر گزارش شده تا در نهایت در شورای اقتصاد مطرح و به رئیس جمهور گزارش شود.

این نظام که در تاریخ برنامه‌ریزی توسعه بی‌سابقه است - مراحل اولیه کار خود را می‌گذراند و مطابق اولین برنامه زمان‌بندی آن، مقرر بود نخستین گزارش نظارت بر عملکرد سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ برنامه تا پایان سال ۱۳۶۹ به هیأت دولت ارائه شود. در این نظام، شوراها مشرف بر سطوح مختلف آموزشی، به رغم وظایفی که در این زمینه می‌توانند بر عهده گیرند، در این فرایند نقشی ایفا نمی‌کنند. و از این لحاظ امر نظارت بر برنامه، بیشتر بر عهده مسؤولان اجرایی محول شده است که طبیعتاً گرایش بیشتری به توجیه انحرافات و عقب‌افتادگیها دارند. در زمان تهیه این مقاله، گزارشهای نظارت بر بخشهای آموزشی توسط کارشناسان برنامه و بودجه تهیه شده است (مأخذ ۲۷). در تهیه این گزارشها به طور کلی از ترتیبات مقرر در نظام نظارت تبعیت نشده است و حداقل جریان کار بیش از یکسال نسبت به زمانبندی اولیه تأخیر دارد. از فواید مترتب بر این تجربه جدید آن است که کارشناسان و مسؤولان برنامه‌ریزی آموزش و پرورش کشور، بیش از پیش به یکی از لوازم و مقدمات بدیهی نظارت و ارزشیابی پی برده‌اند که: نظارت و ارزشیابی از پیشرفت یک فعالیت یا یک برنامه، هنگامی میسر است که برنامه‌ریزی مناسب و تفصیلی دقیقی برای انجام آن صورت گرفته باشد و ارتباط هدفها، سیاستها، برنامه‌های اجرایی با منابع مالی و انسانی به کمک ضوابط و شاخصهای روشن و قابل اندازه‌گیری، تعریف شده باشد.

کمیسیونهای آموزش و پرورش و آموزش عالی و برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی نیز، کم و بیش نسبت به چگونگی پیشرفت برنامه و یا اجزایی از برنامه، علاقه و توجه ابراز می‌دارند، ولی تاکنون مشاهده نشده است که در این باره فعالیت مستقلی را سازمان داده باشند.

در این میان، در هر حال، جای نهادهای مستقل برای نظارت و ارزیابی در بخشهای آموزشی خالی است. نهادهایی که با جمع‌آوری صحیح و به موقع اطلاعات و با بکارگیری شیوه‌های قابل اعتماد علمی، چگونگی تحقق هدفها و سیاستهای برنامه را مورد ارزیابی قرار داده، راههای جبران عقب‌ماندگی و انحراف را نشان دهند.

فعالیت‌های پراکنده‌ای در این زمینه - و بیشتر به صورت پروژه‌های تحقیقاتی - طراحی شده یا در حال انجام است که عمدتاً اجزایی از فعالیتها یا سیاستها و هدفهای مندرج در برنامه توسعه آموزش و پرورش را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. امید است که این گونه اقدامات با قوی و بارور شدن نهاد برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش، در خدمت هدفهای

توسعه بخش مورد استفاده قرار گیرد.

۴- درسی که از تجربه‌های گذشته می‌توان آموخت

ما تاکنون و در دو مقاله، تحولات ۴ دهه نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش کشور را مورد بحث قرار داده‌ایم. اکنون شایسته است به استحصال نکاتی چند از این تجربه درازمدت و قطعاً بسیار پرهزینه و در نتیجه گرانبها پردازیم.

۱- بررسی تحولات چهار دهه گذشته در ۵ عنصر متشکله نظام برنامه‌ریزی - خاصه دو عنصر طراحی (تدوین) برنامه و اجرای آن - نشان می‌دهد که در بخش آموزش و پرورش وظیفه برنامه‌ریزی توسعه یک وظیفه مقطعی و موردی که زمانی که در شرایطی باید انجام پذیرد و در سایر زمانها و شرایط می‌توان آن را کنار گذاشت، تلقی گردیده است. این وظیفه در دو دهه اول، در برنامه‌های اول تا سوم عمرانی کشور، همواره در مقاطع خاص، از خارج (سازمان برنامه) بر وزارتخانه‌ها (های) مسؤول آموزش و پرورش تحمیل می‌شده است؛ و در دو دهه آخر نیز، به قیومیت، هدایت و پی‌گیری نهاد خارجی (سازمان «وزارت» برنامه و بودجه) انجام گرفته است. به عبارت دیگر مطالعه مجموعه تحولات نظام برنامه‌ریزی نشان می‌دهد که در بخش آموزش و پرورش وظیفه برنامه‌ریزی توسعه، «نهادی» شده و به صورت وظیفه‌ای مستمر که باید در هر سطح تشکیلاتی و در هر مکان و زمان انجام گیرد و به عنوان ابزاری برای سامان دادن امور جاری و استفاده بهینه از منابع موجود و نیز وسیله‌ای برای هدایت تحولات آتی در جهت مطلوب به کار گرفته شود، سازماندهی و تدارک نشده است. شواهد مؤید این برداشت و آثار مترتب بر این انقطاع و گسیختگی به شرح زیر است:

۱-۱- در طراحی و تدوین برنامه ملاحظه می‌شود که این وظیفه در برنامه‌های اول تا سوم، به ترتیب بر عهده کمیسیون فرهنگ، دانشگاه، بهداری (وابسته به هیأت تهیه نقشه اقتصادی و عمرانی)، شرکتهای خارجی موریسن نودسن و مشاوران ماوراء بحار (مرتبط با هیأت عالی برنامه، سازمان برنامه موقت و سازمان برنامه) و بالاخره دفتر اقتصادی سازمان برنامه بوده است. در انتهای این دوره تا حدودی در سطح کشوری (کلان) نهادهای برنامه‌ریزی در وزارتخانه‌های مسؤول آموزش و پرورش به وجود می‌آید و به تدریج تا اواسط برنامه پنجم عمرانی، این نهادها تقویت و گسترش می‌یابد؛ اما کماکان فرایند برنامه‌ریزی توسعه با اشاره و با تشکیل کمیته‌های برنامه‌ریزی توسط سازمان برنامه و بودجه آغاز می‌شود و پس از تهیه برنامه، فعالیت آنها متوقف می‌شود تا برای تهیه برنامه بعدی بار دیگر کمیته دیگری با اعضای متفاوت تشکیل گردد. و همچنان برنامه‌ریزی در سطح ملی (کلان) محدود باقی‌مانده، پویایی و درون جوشی برای برنامه‌ریزی از پایین و در همه سطوح تشکیلاتی مشاهده نمی‌شود. پس از استقرار جمهوری اسلامی نیز، اصولاً فعالیت‌های آموزش و پرورش طی ۱۱ سال در غیاب برنامه توسعه (تا پایان سال ۱۳۶۸) جریان می‌یابد

و برنامه‌هایی که در دو مقطع ۱۳۶۷ و ۱۳۶۶ تهیه می‌شود، با تشکیل شوراهای موقتی و به قیومیت سازمان (وزارت) برنامه و بودجه انجام می‌گیرد. در این دوره حتی همان نهادهای برنامه‌ریزی کلان توسعه نیز در وزارتخانه‌های مسؤول آموزش و پرورش تعطیل شدند و جای خود را به گروه‌های پراکنده کارشناسی و مؤولانی که برنامه‌ریزی توسعه، وظیفه اصلی آنها نمی‌باشد، واگذارند.

۱-۲- در اجرای برنامه، چون تا برنامه چهارم عمرانی ماهیت برنامه‌ها بیشتر معطوف بر جنبه‌های فیزیکی (ایجاد مدرسه و تهیه تجهیزات و لوازم کارگاهی و آزمایشگاهی) بود، جزء کوچک و تخصصی از بدنه وزارتخانه‌های مسؤول آموزش و پرورش با اجرای برنامه درگیر شده، آنها نیز از خارج (سازمان برنامه) هدایت و کنترل می‌شدند؛ پس از آن نیز چون برنامه در سطح کلان و به صورت مقطعی تهیه شده بود، چندان ارتباطی با فعالیتهای روزمره آموزشی پیدا نمی‌کرد، بنابراین بدنه اصلی وزارتخانه‌های آموزشی نه با اجرای برنامه درگیر می‌شدند و نه چندان از آن تأثیر می‌پذیرفتند. این وضعیت خودبخود در جمهوری اسلامی نیز ادامه یافت؛ زیرا برنامه توسعه‌ای در کار نبود. حتی در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ نیز که برای فعالیتهای آموزشی بر اساس قانون برنامه اول توسعه، بودجه اختصاص داده شده است، به دلیل متوقف شدن فرایند برنامه‌ریزی در سطح کلان، بدنه آموزش و پرورش فعالیتهای آموزشی را به روند گذشته ادامه می‌دهد و اعتنایی به برنامه توسعه ندارد. تنها در بعد فیزیکی توسعه است که به تدریج امر برنامه‌ریزی مستمر در حال شکل گرفتن است و می‌توان امیدوار بود که ماهیت مهندسی کارها (ساختمان سازی) به نهادی شدن فرایند برنامه‌ریزی توسعه فیزیکی در سطوح آموزش عمومی و آموزش عالی کمک کند. با این حال، حتی تا همین حد پیشرفت نیز در آموزشهای فنی و حرفه‌ای به چشم نمی‌خورد. امور اجرایی این آموزشها به روال گذشته و یا بر حسب سلیقه مؤولان و برداشت آنها از برنامه توسعه طی می‌شود.

۲- در ۴ دهه تجربه برنامه‌ریزی توسعه، همواره برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، به صورت یک فعالیت صد در صد دولتی در قلمرو خاص وظایف مدیران و کارشناسان برگزیده سازمان داده شده است. این طرز تلقی که چون آموزش و پرورش رایگان بوده و تماماً از منابع مالی دولت تغذیه می‌کند، پس در برنامه‌ریزی توسعه فعالیتهای آن نیز فقط دولتمردان صلاحیت شرکت دارند، همواره در طول این مدت حاکم بوده است و حتی پیروزی انقلاب مردمی و الهی اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز نتوانسته است در آن تحول عمیقی ایجاد کند. به همین لحاظ مشاهده می‌شود که تا برنامه سوم، برنامه‌های توسعه توسط چند نفر کارشناس خارجی و ایرانی تهیه می‌شود و در جمع محدودی از دولتمردان مسؤول سیاسی به تصویب می‌رسد و حتی به دور از نظارت نمایندگان مردم در مجلس به اجرا درمی‌آید. برنامه‌های چهارم و پنجم عمرانی نیز که این بار توسط طیف وسیعتری از کارشناسان ایرانی و دولتمردان مسؤول تهیه شده، به صورت تشریفاتی به تأیید

نمایندگان مجلس شورای ملی می‌رسد، و با آن که در اواخر این دوره شوراهای منطقه‌ای آموزش و پرورش بسیار فعال بوده‌اند، با این حال در تهیه برنامه دخالتهی ندارند. جمهوری اسلامی، دخالت و تأثیر نمایندگان - علاوه بر اثر وجودی مترتب بر تأسیس مجلسی از نمایندگان منتخب مردم بر بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی - مجلس شورای اسلامی بر برنامه توسعه آموزش و پرورش، چه به هنگام تصویب قانون برنامه و چه در زمان بررسی قوانین بودجه سالانه، بسیار بیشتر شده است. با این حال کماکان برنامه توسعه، دست‌ساخت کارشناسان و عمدتاً دولتمردان مسؤول است و دخالت نمایندگان مردم در پایان مسیر نمی‌تواند چندان کارساز باشد.

در حالی که ماهیت برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش، صرفنظر از چگونگی تأمین منابع آن، فعالیتی است که غالباً حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت کشور، یعنی تمامی خانواده‌های شهری و غالب خانواده‌های روستایی را در برمی‌گیرد و منطقی نیست که تشخیص خواستها و نیازهای گوناگون و مراتب اولویت آنها، بر عهده معدودی از کارشناسان و مسؤولان مستقر در پایتخت، هر چند هم آگاه و دلسوز مردم باشند، واگذار گردد. این ضعف، ناشی از خصلت اصلی آموزش و پرورش نوین در ایران است که از ابتدا به صورت یک نظام اجرایی کاملاً دولتی و فوق‌العاده متمرکز پایه‌گذاری شده و مگر در برهه‌ای از زمان برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پاره‌ای از انواع آموزشهای فنی و حرفه‌ای، در همه سطوح و انواع آموزش، مستمراً دنبال شده است.

اکنون که مشارکت مردم در آموزش و پرورش به عنوان راهبرد (استراتژی) اصلی پذیرفته شده است، لزوم توجه به مشارکت در نظام برنامه‌ریزی توسعه اهمیت خاص دارد. وجوه مختلف این مشارکت، هم به هنگام شکل‌گیری و تدوین و طراحی برنامه و هم در زمان اجرا و نظارت بر اجرا، باید مورد توجه قرار گیرد و سازماندهی مناسبی برای تحقق آن پیش‌بینی گردد. در این سازماندهی لازم است مقتضیات گروههای گوناگونی که یا به عنوان آموزشگیر و اولیای آنها و یا به عنوان عامل ارائه خدمات آموزشی، در فرایند برنامه‌ریزی توسعه درگیر می‌شوند، در نظر گرفته شود.

۳- پیشرفت و تعالی هر نظامی، از جمله نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش، در گرو کاربرد نتایج بررسی و پژوهشهایی است که در بارهٔ ثمربخشی و کارآیی عملکرد آن نظام صورت می‌پذیرد. بررسی تحولات حاکی از آن است که به این مهم چندان که شایسته است توجهی مبذول نشده است و مقطعی بودن و استمرار نداشتن امر برنامه‌ریزی توسعه، این بی‌توجهی را تشدید کرده است. به طوری که برای ارزیابی برنامه گذشته و تهیه برنامه جدید، عمدتاً بر حسب شرایط سیاسی و مصلحتهای خاص اداری، سازماندهی خاصی به عمل آمده، سپس بدون ارزیابی عملکرد آن، همزمان با پایان کار تهیه برنامه مزبور، به فعالیت آن تشکیلات خاتمه داده شده است. بدین ترتیب، به دلیل فقدان هرگونه ژرف‌نگری و تعمق و پژوهش در باره ثمربخشی و کارآیی عملکرد تجارب گذشته نظام

برنامه‌ریزی توسعه، در واقع آموزش و پرورش ما، نه از ۴ دهه تجربه پیوسته و هدایت شده برنامه‌ریزی توسعه، بلکه از هشت بار تجربه منفصل و بدون ریشه، برخوردار شده است. جامعه ما، هر بار برای هر یک از این تجارب، علاوه بر تحمل خسارات بزرگ ناشی از اشتباه و ضعف در برنامه‌ریزیها فرصتهای گرانبهای را از دست داده است؛ اما با کمال تأسف با پرداخت چنین بهای هنگفتی، آگاهی و دانش ناشی از تجربه پی در پی را کسب نکرده است و هنوز هم اگر بخواهد به جد برنامه‌ریزی توسعه را دنبال کند، به رغم گذشت بیش از ۴۰ سال، تقریباً باید از صفر آغاز کند. فقدان پژوهشهای کاربردی در زمینه ساماندهی نظام برنامه‌ریزی توسعه و هر یک از اجزاء آن، مانند پژوهش در روشهای مناسب برنامه‌ریزی، شناخت و تعیین جایگاه آموزش و پرورش در توسعه اقتصادی - اجتماعی (الگوی کلان توسعه)، روشهای اجرای برنامه و بالاخره پژوهش در مورد شیوه‌های نظارت و خاصه ارزشیابی ثمربخشی و کارایی هدفها، سیاستها و خط‌مشی‌های اتخاذشده از جمله موارد قابل ذکراند.

در بازنگری تحولات گذشته مشاهده می‌شود که برای جبران این نقص در دهه ۱۳۵۰، تا حدودی به ایجاد زمینه و وسیله مناسب برای انجام چنین پژوهشهایی از طریق ایجاد مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی در وزارت علوم و آموزش عالی وقت، سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی در وزارت آموزش و پرورش و یا ایجاد مؤسسه برنامه‌ریزی ایران وابسته به سازمان برنامه و بودجه در سالهای پایانی رژیم گذشته، توجه می‌شود. اما موج ادغام و انحلال تشکیلات اداری و اجرایی چندماهه اول پیروزی انقلاب اسلامی نهال نورسته نهاد اول و سوم را برکند و نهاد دوم را نیز به کارهای ضروری‌تر و روزمره‌ای چون اصلاح و تألیف و چاپ و توزیع کتابهای درسی مشغول کرد. بدین ترتیب بیش از ده سال گذشت زمان لازم بود که مجدداً مسؤولان برنامه‌ریزی آموزش عالی متوجه شوند وجود چنین مؤسسه پژوهشی، لازمه برنامه‌ریزی است و به صورت غیررسمی به احیای آن همت گمارند و یا آن که مسؤولان سازمان برنامه و بودجه پس از گذشت ۸ سال بار دیگر با تأسیس مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه (مأخذ ۲۸)، تشکیلاتی برای پژوهش در امر برنامه‌ریزی توسعه به وجود آورند؛ و بالاخره در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، فکر ایجاد یک مرکز تحقیقات آموزشی جدی گرفته شود و مقدمات سازماندهی خاص در این زمینه با تشکیل شورای تحقیقات فراهم گردد. اما در آموزش فنی و حرفه‌ای که این مهم خیلی زودتر از دیگر اجزاء بخش در قانون و آئین‌نامه تشکیل شورای هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور درج شده است، به دلیل نابسامانی و بلا تکلیفی حاکم بر آن، هنوز این نیاز به درستی احساس نشده است و اگر هم فعالیتی در زمینه سازماندهی تحقیقات صورت می‌گیرد، به صورت درون‌دستگاهی و محدود است و شامل کلیت بخش نمی‌شود (از جمله در شاخه معاونت فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش، ستاد [سازمان] سازندگی و آموزش وزارت نیرو، سازمان

گسترش و نوسازی صنایع سنگین، فعالیتهای شایسته تقدیری انجام گرفته است). در هر صورت، هنوز این تلاشها در تمامی بخش آموزش و پرورش به ثمر نرسیده است و نظام برنامه‌ریزی توسعه از فقدان پژوهشهای راهگشا رنج می‌برد و ناگزیر از تکرار خطاهای گذشته است.

۴- از نتایج نهادی نشدن برنامه‌ریزی و فقدان پژوهشهای کاربردی در بخش آموزش و پرورش، یکی هم نارسایی و کمبود آمار و اطلاعات مورد نیاز برای حسن انجام این گونه فعالیتهاست. این مبحث نیازمند تفصیل بیشتری است، و در این جا به اختصار یادآوری می‌شود که بخش آموزش و پرورش در مقایسه با دیگر بخشهای اقتصادی - اجتماعی حدوداً از سال ۱۳۱۸ به بعد دارای آمار منظمی است؛ اما بررسی محتوای این آمار نشان می‌دهد که اقلام آن بیشتر برای نشان دادن پاره‌ای از دست‌آوردها و پیشرفتهای آموزشی (تعداد دانش آموز و دانشجو، تعداد مدرسه و دانشگاه، تعداد معلم و استاد و ...) جمع‌آوری شده است تا اطلاعات بازخوردی مورد نیاز برای اصلاح روشها و راه کارها و تعیین اولویتها و تخصیص بهینه منابع. فراز و نشیبی که در این فعالیت مشاهده می‌شود، به موازات تغییر و تحولات موجی و موردی تهیه و تدوین برنامه‌ها و یا تأسیس و انحلال نهادهای پژوهشی و برنامه‌ریزی است. تلاشهایی برای کامپیوتری کردن آمار آموزش و پرورش عمومی و همچنین آموزش عالی در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ صورت پذیرفت که هنوز به بار ننشسته، با تغییرات شدید تشکیلاتی اوایل پیروزی انقلاب، بی‌نتیجه رها شد و فقط از اواخر سال ۱۳۶۹ که مسأله طرح جامع انفورماتیک آموزش و پرورش مطرح شده، عملاً از کامپیوتر در آمار آموزش و پرورش به طور محدود استفاده می‌شود. در بخش آموزش فنی و حرفه‌ای، به سفارش دبیرخانه شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور "شبکه‌ای برای انتقال دانش فنی و حرفه‌ای" طراحی شد، که جزئی از وظایف آن جمع‌آوری، پردازش و نشر آمار و اطلاعات مورد نیاز برنامه‌ریزی توسعه بود، ولی این مهم با تغییر مدیریتها در این نهاد و غیرفعال شدن شورای مزبور، به مرحله اجرا درنیامد (مأخذ ۲۹). با این حال دبیرخانه این شورا، آمار اجمالی آموزشهای فنی و حرفه‌ای را با تأخیر زمانی بیش از دو سال، از سال ۱۳۶۱ آغاز کرده است که آخرین آمار آن به سال ۱۳۶۸ مربوط می‌شود (مأخذ ۳۰). در زمینه آموزش عالی، از سال ۱۳۴۷، ابتدا توسط مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی و اکنون توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی، آمارنامه آموزش عالی، البته با تأخیر زمانی بیش از یکسال، مرتباً انتشار یافته و در اقلام و تفصیل اجزاء آن تغییرات چندانی مشاهده نمی‌شود. (مأخذ ۳۱)

در هر صورت آمار و اطلاعات تا در تصمیمگیریهای روزمره کاربردی نداشته باشد، بیشتر به کار تبلیغات می‌آید و در این حالت صحت و دقت آن هم چندان مورد اعتنا و توجه قرار نمی‌گیرد. گرایشی که در جهت بهبود وضع مشاهده می‌شود، ناشی از موج توجه به برنامه‌ریزی - در سه سال اخیر است و استمرار این توجه، به ریشه دواندن و رشد شبکه آمار و

اطلاعات کارآمد و مورد اعتماد خواهد انجامید.

۵- علاوه بر نکات ذکر شده، طی این مدت طولانی، برای تربیت نیروی انسانی جهت تقویت توان فنی نظام برنامه‌ریزی توسعه، کمتر فعالیت چشمگیری مشاهده می‌شود. نیروی انسانی مورد نیاز این رشته تخصصی، قبل از پیروزی انقلاب از بین تحصیلکردگان دانشگاههای خارج کشور و با کارشناسان فارغ‌التحصیل دانشگاههای داخل که در دوره‌های آموزشی برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در مؤسسه برنامه‌ریزی آموزشی یونسکو یا مؤسسه توسعه اقتصادی بانک جهانی و امثال آن شرکت داده می‌شدند و بالاخره بیشتر از طریق تجربی و آموزش حین کار - گاهی به صورت دستیار کارشناسان خارجی - تأمین می‌شد. علاوه بر آن، دوره‌های کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی آموزشی و رشته‌های مشابه در انستیتوی آموزش برنامه‌ریزی و مدیریت وابسته به وزارت آموزش و پرورش (که بعد از انقلاب تعطیل شد و وظایف آن به دفتر آموزش ضمن خدمت محول گردید) و یا در مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی برای ارتقاء کیفیت کارشناسان تشکیل می‌گردید. این گونه فعالیتهای نیز حالت موسمی و غیرمستمر داشت و همانند فراز و نشیبی که در مسیر برنامه‌ریزی توسعه حاصل می‌شد، تابع سلیقه و تشخیص مسؤولان وقت بود. با این حال، قبل از پیروزی انقلاب اقداماتی برای تأمین نیروی انسانی متخصص در سطح فوق لیسانس در رشته‌های مرتبط با توسعه آموزش و پرورش مانند: مدیریت امور فرهنگی، مدیریت آموزشی [و آموزش و پرورش]، توسعه و رفاه اجتماعی، برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای و در پاره‌ای از رشته‌های تخصصی مرتبط با برنامه‌ریزی درسی مانند آموزش ابتدایی، قبل از دبستان، تکنولوژی آموزشی، علوم تربیتی، و امثال آن در دانشگاهها آغاز شده بود که محصولات آن به تدریج وارد خدمت دولت شدند.

با تغییراتی که پس از پیروزی انقلاب در تشکیلات برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش پیش آمد، در چند سال اول، حتی همان فعالیتهای مختصری که برای تربیت نیروی انسانی در داخل و خارج کشور انجام می‌گرفت، متوقف شد و هسته‌های کارشناسی برنامه‌ریزی توسعه که در چند کانون اصلی گرد آمده بودند، به تدریج پراکنده شدند. پس از آن تقریباً از سال ۱۳۶۵ به بعد برگزاری دوره‌های کارشناسی ارشد در برنامه‌ریزی توسعه، مهندسی سیستم‌ها و سیستم‌های اقتصادی، به سفارش سازمان برنامه و بودجه در دانشگاههای تهران، شهید بهشتی، دانشگاه صنعتی اصفهان و دوره‌های کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی و درسی به سفارش وزارت آموزش و پرورش در دانشگاههای تربیت معلم و تهران و چند دوره کارشناسی ارشد در رشته مدیریت آموزشی در دانشگاههای مختلف برگزار گردیده است که محصولات آنها به تدریج وارد نظام برنامه‌ریزی توسعه می‌شوند. به همراه آن نیز استفاده از امکانات آموزشی در خارج کشور و برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی در داخل کشور به تدریج مورد توجه قرار می‌گیرد. این فعالیتهای پراکنده و موردی است، اما نشانه حساس شدن محیطهای اجرایی و

مسئولان نسبت به لزوم تربیت نیروی انسانی برای بهتر انجام شدن وظایف تخصصی است. ۶- و بالاخره اثرات نهادی نشدن برنامه‌ریزی توسعه، بر بهبود روشهای برنامه‌ریزی، اجرا، ارزیابی و نیز محتوای برنامه‌های آموزش و پرورش قابل ذکر است. چون مقوله روشهای برنامه‌ریزی و محتوای برنامه‌ها، به یاری خداوند متعال، در مقالات جداگانه‌ای مورد بحث قرار خواهد گرفت، در اینجا به اشاره‌ای اکتفا می‌شود. با این سابقه درازمدت، بخش آموزش و پرورش نه تنها به شیوه‌های برنامه‌ریزی و ارزیابی متناسب با نوع و وضعیت آموزش در ایران دست نیافته بلکه شناخت درست و جامعی را نیز از روشهای متداول و دست‌آوردهای بشری در این زمینه کسب نکرده است. این امر، خصوصاً در سطوح آموزشی پیچیده‌تر مانند دوره متوسطه، آموزشهای فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی به مراتب محسوس‌تر است و در کیفیت و محتوای دروس دانشگاهی این رشته تخصصی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد، انعکاس دارد و کمبود تأسف بار کتابها و مقالات و گزارشهای مربوط به این رشته، خود شاهد این مدعاست.

۷- تاکنون در باره تحولات مقوله‌های تدوین و طراحی برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش و اجرای آنها که از وظایف مستقیم و اصلی وزارتخانه‌های مسؤول آموزش و پرورش است، نکاتی چند بیان شد. اینک شایسته است در باره چگونگی تلفیق نهایی برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش در برنامه توسعه کشور نیز جمع‌بندی تجارب گذشته ارائه شود.

گفته شد که برنامه‌ریزی توسعه در ایران، از ابتدا با رویهم گذاشتن طرحهای سرمایه‌گذاری فیزیکی، یعنی احداث ساختمان و تهیه و نصب تجهیزات آغاز شد و سپس به تدریج به قلمرو فعالیت‌های جاری آموزشی گسترش یافت؛ و همچنین مشاهده شد که در دو دهه اول دوران برنامه‌ریزی در ایران، نقش اصلی را در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، سازمان برنامه [و بودجه] بر عهده داشت. تأثیر متقابل این دو پدیده در یکدیگر که آثار آن در طول تاریخ برنامه‌ریزی توسعه قابل ردیابی است، توجه سازمان برنامه [و بودجه] به عنوان یک نهاد تلفیق‌کننده برنامه عمده‌تأ، بر توسعه فیزیکی متمرکز شده است و تشکیلات و سازماندهی توان کارشناسی آن نیز مطابق همین برداشت شکل گرفته است. تزریق ارز خارجی ناشی از فروش نفت به اقتصاد ایران، که دستیابی به ماشین‌آلات و تجهیزات و کالاهای ساخته شده و حتی نیروی انسانی خارجی را - بدون نیاز به تسلط بر تکنولوژی ساخت آنها که مستلزم تربیت نیروی انسانی صاحب صلاحیتی است - تسهیل می‌نماید، همواره چون پرده‌ای این نارسایی را پوشانده است. بدین ترتیب، تشکیل سرمایه انسانی، که در ادبیات اقتصادی حداقل از سال ۱۹۶۰ میلادی به بعد به صورت جدی مطرح بوده است (مأخذ ۳۲ ص ۴۷) و ثابت شده است که آموزشهای عمومی (خاصه ابتدایی) در مقایسه با سایر سطوح و انواع آموزش و دیگر سرمایه‌گذاریهای فیزیکی از بازده اقتصادی بیشتری برخوردارند (مأخذ ۳۲ ص ۶۹) در

محافل اقتصادی ایران بازتابی نداشته و هیچ‌گاه به این نکته مهم که قاعدتاً باید مبنای هرگونه تصمیم‌گیری اقتصادی قرار گیرد، در الگوهای به کار گرفته شده در برنامه‌ریزی کلان، نه قبل و نه بعد از پیروزی انقلاب، در سازمانی که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران و از جمله وزیر مشاور و رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه "قلب مملکت است" (مأخذ ۳۴ ص ۶۲)، و یکی از وظایف عمده‌اش توزیع منابع مالی بین بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، مورد توجه قرار نگرفته است و هر جا مشکلی پیش آمده، با پرداخت هزینه‌های گزاف ارزی، موقتاً صورت مسأله پاک شده است. چنان است که مشاهده می‌شود مثلاً و فقط به عنوان یک نمونه، واحدهای آموزشی جنب کارخانجات تراکتور سازی و ماشین سازی تبریز، از نظر تجهیزات و تسهیلات ساختمانی، بسیار بزرگتر از هنرستانها و آموزشکده‌ها و دانشکده‌های فنی و مهندسی تبریز در زمان احداث آن واحدها بوده‌اند و یا هزینه ارزی پرداختی برای تربیت نیروی انسانی فولادسازی مبارکه حدوداً برابر ۲۸ تا ۳۰ درصد ارزی است که برای هر یک از سالهای ۶۹ و ۷۰ به مجموعه آموزش عالی غیرپزشکی تعلق گرفته است و یا ۱/۵ تا ۲ برابر ارزی است که برای کلیه اجزاء بخش آموزش فنی و حرفه‌ای در سالهای مذکور تخصیص داده شده است (مأخذ ۳۳). بنابراین بر خلاف نوشته‌های صدر هر یک از برنامه‌های عمرانی تدوین شده که بر ضرورت تربیت نیروی انسانی - یعنی آموزش و پرورش مورد نیاز اقتصاد کشور - تأکید فراوان کرده است، عملاً محتوای برنامه‌های عمرانی، بدنه اصلی فعالیتهای آموزش و پرورش را به عنوان هزینه‌های جاری که حتماً باید از رشد آنها کاست، تلقی کرده است.

اکنون می‌توان اثرات منفی متقابل و تشدیدکننده‌ای را که از ترکیب دو پدیده ضعف برنامه‌ریزی توسعه بخش آموزش و پرورش و برداشت محدود و منسوخ سازمان مسؤول تلفیق برنامه‌ها در باره آموزش و پرورش حاصل می‌شود، با تمامی عوارض نامطلوب آن مورد ارزیابی قرار داد و بار دیگر به اهمیت و حساسیت مقوله برنامه‌ریزی توسعه در مجموعه بخش آموزش و پرورش کشور پی برد. در واقع این بخش ناگزیر از آن است که در رقابت بر سر منابع محدود دولت - و یا جامعه - از یک طرف ضعف برداشت الگودرازان اقتصادی را جبران کند و از طرف دیگر در برابر جذب و فریبندگی آثار ملموس و نسبتاً زودبازدم سرمایه‌گذاری در صنعت و طرحهای فیزیکی، توجه جامعه و سیاست‌گزاران را به اهمیت سرمایه‌گذاری برای ساختن انسانهای آینده - آن طور که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویر شده - جلب کند.

۸- از آن چه گذشت برای آینده چه درسی می‌توان آموخت؟ چون نارساییهایی که در نظام برنامه‌ریزی توسعه مشاهده می‌شود عمدتاً ناشی از نهادی نشدن فعالیت برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در دستگاههای مسؤول ارائه خدمات آموزشی است، بنابراین کلیه اقداماتی که حصول این مهم را تسهیل کند باید مستمراً پی‌گیری شود. سیاهه این اقدامات به

شرح زیر است:

۱- ۸- چون در تعالیم عالی اسلامی و در قانون اساسی "برنامه‌ریزی با مردم" و نه "برنامه‌ریزی برای مردم" پذیرفته شده است، لذا یکی از مهمترین اقدامات عبارت است از پشتیبانی جدی و پی‌گیر وزارت آموزش و پرورش برای تشکیل شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای به شکلی که تعداد اعضاء منتخب مردم و فرهنگیان افزون بر تعداد اعضاء منصوب شده از طرف دولت باشد و شورا قانوناً مجاز باشد بر پیشرفت امور آموزشی نظارت کند و برای بهبود آن به تأمین منابع مالی اقدام نماید و حداقل به اندازه سهم خود در منابع، در تعیین حجم برنامه‌های توسعه و سیاستها و اولویتها دخالت نماید. همچنان لازم است که تقویت انجمن اولیا و مربیان، علاوه بر جلب مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش، به عنوان نهاد هدایت‌کننده و ناظر بر عملیات توسعه مدرسه و در ارتباط پویا با شورای منطقه‌ای آموزش و پرورش وجهه همت مؤولان آموزش و پرورش قرار گیرد. در همین زمینه تقویت هیأت ائمه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی، به منظور استمرار برنامه‌ریزیهای توسعه و حفظ ثبات سمت‌گیریها حائز کمال اهمیت است.

۲- ۸- ضروری است در درون دستگاههای اجرایی آموزشی، پشتیبانی و مراقبت از فعالیتهای بنیادی و زیربنایی برنامه‌ریزی که در چند سال اخیر مجدداً احیاء یا آغاز شده است، مستمراً دنبال شود. اهم این فعالیتهای عبارتند از:

- کلیه اقداماتی که برای تأسیس و توسعه مؤسسات و مراکز تحقیقات و برنامه‌ریزی [توسعه] آموزشی در وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و برای آموزشهای فنی و حرفه‌ای در مجموعه دولت در دست اقدام است، با توجه به این نکته که تعمیم یافتن و عملی شدن سیاستهای تمرکززدایی مستلزم سمت‌گیری و تمرکز فعالیتهای واحدهای ستادی دولت بر امور سیاست‌گذاری و ارزیابی و آینده‌نگری و نوآوری است، و در این زمینه همکاری بین دانشگاهها و دستگاههای اجرایی باید تقویت شود و ایجاد هسته‌ها و مراکز پژوهشی در استانها و مناطق تشویق گردد.

- - نظام دادن به شبکه جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و در قالب آن استفاده از کامپیوتر و نیز انتشار منظم و به‌موقع اطلاعات و نتایج تجزیه و تحلیلها و پژوهش و بررسیهای آموزشی.

- - کلیه اقداماتی که برای تربیت نیروی انسانی متخصص با همکاری دانشگاهها در دست اقدام است و گسترش دادن به آموزشهای ضمن خدمت جهت تربیت تخصصی مدیران و کارشناسان در زمینه برنامه‌ریزی با استفاده از امکانات داخل در تهران و مراکز استانها و نیز امکانات سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای و همکاری در طرحهای آموزشی مربوط.

۳- ۸- لازم است اقداماتی که برای سامان دادن به روشهای اداری و اجرایی و نظام

مدیریت در دست اجراست و حاصل آنها فراهم شدن محیطی است که حرکت بر اساس برنامه به عنوان فلسفه حاکم بر عملیات روزمره آموزشی و اجرایی پذیرفته می شود با جدیت بیشتری دنبال شود و ارزیابی کارکنان و مدیران بر پایه نقش آنها در تحقق هدفها و سیاستهای برنامه و میزان تدبیر و دوراندیشی آنها در ارائه برنامه های کوتاه مدت و میان مدت صورت پذیرد. سیاهه این قبیل اقدامات طولانی است و شرح و بسط آنها از محدوده مقاله حاضر خارج است.

۴- ۸- چون هدف نهایی آموزش و پرورش، در هر سطحی که باشد، در درجه اول تربیت انسانهایی است که در پیشرفت و تعالی خود و جامعه مسؤولیت پذیرفته و نقش موثری ایفا کنند، و لازمه تحقق این هدف پرورش خصلتهای نظم پذیری، ابتکار، قبول مسؤولیت، تفکر و تدبیر و دوراندیشی است، لذا اهتمام نسبت به اجرای تدریجی اما مجدانه اصول، سیاستها و اقداماتی که در طرح کلیات تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش در این زمینه به آنها اشاره شده است، برای آنکه جامعه اسلامی ما، و خاصه جامعه آموزش و پرورش کشور، به طور طبیعی پذیرای فرهنگ برنامه ریزی شده و زندگی و حرکت خود را بر آن اساس بنا کند، حائز کمال اهمیت است.

۵- ۸- و کلام آخر آن که، در دوازده سالی که از پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی در ایران می گذرد، خاصه در این چند سال آخر، پیرامون کلیات و اصول اقداماتی که باید برای اصلاح نظام آموزش و پرورش و از آن جمله نظام برنامه ریزی توسعه آن به عمل آید، بسیار گفته شده است، و برای تکمیل آن هر چه بیش از این وسواس به کار رود، نتیجه ای جز هدر رفتن فرصت عاید نمی شود. اکنون باید با حفظ ثبات مدیریت، با بردباری و پشتکار، اما با تدبیر و به قصد دریافت بازخوردها و اصلاح اشتباهها، به طراحی و اجرای برنامه ها در کلیه سطوح اجرایی و تشکیلاتی پرداخت. مهم این نیست که در مراحل نخستین، این برنامه ها چقدر هماهنگ و در چه حد از تفصیل و کمال تهیه می شوند، مهم آن است که هدف و سمت گیری آنها، کسب آگاهانه تجربه و تلاش برای تصحیح انحرافات و جبران خطاها و کاستیها و در راه کسب رضای خداوند و ارائه بهترین خدمت به مردم باشد. انشالله.



فهرست منابع

- ۱ - "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" مصوب رفراندم سالهای ۱۳۵۸ و ۱۳۶۸.
- ۲ - "لایحه قانونی ادغام وزارت علوم و آموزش عالی و وزارت فرهنگ و هنر و تشکیل وزارت فرهنگ و آموزش عالی"، مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی، تهران، ۱۳۵۷/۱۲/۱۷
- ۳ - "قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی"، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۵/۱۲/۱۲ تهران.
- ۴ - "لایحه قانونی تشکیل شورای عالی فرهنگ و آموزش عالی"، مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی، تهران، ۱۳۵۹/۲/۱۷
- ۵ - فرمان مورخ ۲۲ خرداد ۱۳۵۹ امام خمینی (ره) برای تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و "لایحه قانونی راجع به تحقق برنامه‌های ستاد انقلاب فرهنگی"، مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، ۵۹/۴/۲۵، تهران.
- ۶ - "اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی"، مصوب جلسات ۴، ۵، ۹، ۱۲ شورای عالی، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۲۱۸۹ - دی‌ماه ۱۳۶۵.
- ۷ - "لایحه قانونی راجع به تشکیل شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور"، مصوب ۱۳۵۹/۲/۲۰ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران.
- ۸ - "تصویب نام‌قانونی انحلال کلیه شوراهای آموزش و پرورش مناطق کشور"، مصوب جلسه ۱۳۵۸/۳/۶ هیأت وزیران.
- ۹ - "لایحه قانونی راجع به تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش"، مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۲۷ شورای انقلاب ج.ا.ا. و اصلاحات مصوب ۵۹/۱/۱۶ و ۱۳۵۸/۱۲/۲۲ و ۱۳۵۹/۲/۱۰
- ۱۰ - "قانون اصلاح موادی از قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش و الحاقی یک ماده به آن"، مصوب ۱۳۶۵/۹/۲۵ مجلس شورای اسلامی.
- ۱۱ - "طرح نهضت سوادآموزی"، مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۲۷ شورای انقلاب ج.ا.ا. و "اساتنام نهضت سوادآموزی"، مصوب ۱۳۶۳/۳/۳ مجلس شورای اسلامی.
- ۱۲ - مصوبه تشکیل "شورای پشتیبانی نهضت سوادآموزی"، مصوب جلسه ۱۴۱ مورخ ۶۶/۱۲/۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۱۳ - مصوبه تشکیل "هیأت امنا دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی" جلسات ۱۸۱ و ۱۸۲ مورخ ۹ و ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۱۴ - "لایحه قانونی تشکیل سازمان برنامه و بودجه استانها" مصوب ۵۹/۴/۱۵ شورای انقلاب اسلامی.
- ۱۵ - "نظام برنامه‌ریزی کشور"، مصوب شورای اقتصاد، سازمان برنامه و بودجه، تهران، آذرماه ۱۳۶۰.
- ۱۶ - "قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. ۱۳۶۸ - ۱۳۷۲" مصوب ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۶۸، مجلس شورای اسلامی، در سه جلد، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۷ - رجوع شود به گزارشهای "ارزشیابی گذشته و وضع موجود بخش آموزش و پرورش عمومی در استان ... که توسط سازمان برنامه و بودجه هر استان انتشار یافته است و مجموعه آنها در کتابخانه مرکزی سازمان برنامه و بودجه در تهران نگهداری می‌شود.
- ۱۸ - مشابهی، علیقی "بررسی نظام برنامه‌ریزی کشور در عمل و چند پیشنهاد اصلاحی"، فصلنامه برنامه و توسعه، شماره اول، زمستان ۱۳۶۳، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ۱۹ - "آمار آموزش و پرورش سال ۱۳۶۵"، دفتر هماهنگی و طرحها و برنامه‌های توسعه، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۶۶.
- ۲۰ - "برنامه توسعه بخش آموزش و پرورش عمومی ۷۲ - ۱۳۶۸" - در ۴ جلد، مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، وزارت برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۱ - "برنامه تدوین طرح جامع آموزش فنی و حرفه‌ای - برنامه پنجساله اول آموزش فنی و حرفه‌ای ۶۶ - ۱۳۶۲"،

- مصوب شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، دی‌ماه ۱۳۶۱.
- ۲۲ - "بررسی عملکرد شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور". مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۵.
- ۲۳ - "برنامه توسعه بخش آموزش فنی و حرفه‌ای ۷۲ - ۱۳۶۸" در ۳ جلد، مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، وزارت برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۴ - مدیریت آموزش عالی و تحقیقات سازمان برنامه و بودجه در زمینه برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی گزارشهای زیر را منتشر کرده است:
- ۱ - "برنامه توسعه بخش آموزش عالی: سیر تحول دانشجو، رشته و مؤسسات آموزش عالی در ۵ گروه تخصصی ۴۸ - ۱۳۶۴"، تهیه شده جمعی از کارشناسان، تهران، اسفندماه ۱۳۶۸.
- ۲ - "برنامه توسعه بخش آموزش عالی: ظرفیتهای فیزیکی و سرمایه‌گذاری ۶۸ - ۱۳۷۲" تهیه شده توسط پ. وحیدی و ا. پرزیوند، تهران، دی‌ماه ۱۳۶۸.
- ۳ - "برنامه توسعه بخش آموزش عالی: اهداف کمی، منابع و بازدهی ۶۸ - ۱۳۷۷"، تهیه شده توسط پ. وحیدی و ف. صیوحی، تهران، مهرماه ۱۳۶۸.
- ۲۵ - رجوع شود به پیوست شماره ۱ (طرحهای سرمایه‌گذاری ثابت) قوانین بودجه سالهای ۶۴ تا ۱۳۷۰ از انتشارات سازمان (وزارت) برنامه و بودجه.
- ۲۶ - "نظام ارزیابی عملکرد برنامه اول توسعه" موضوع بخشنامه ریاست جمهوری در ۲۲ مهرماه ۱۳۶۹ به کلیه دستگاه‌های اجرایی.
- ۲۷ - گزارشهای نظارت تهیه شده در سازمان برنامه و بودجه عبارتند از:
- "نظارت بر بخش آموزش و پرورش عمومی"، توسط مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، ۱۳۷۰
- "نظارت بر بخش آموزش فنی و حرفه‌ای"، توسط مدیریت آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، ۱۳۷۰
- "نظارت بر بخش آموزش عالی"، توسط مدیریت آموزش عالی و تحقیقات، ۱۳۷۰
- ۲۸ - "اساتذنه مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه" مصوب سال ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۲۹ - آذرننگ، عبدالحسین. "گزارش اجمالی از وضعیت اطلاع‌رسانی در ایران"، مدیریت فرهنگ و هنر و تربیت بدنی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰.
- ۳۰ - رجوع شود به نشریات "آمار آموزش فنی و حرفه‌ای"، سالهای ۶۱ (۶۲ - ۱۳۶۱) تا ۶۸ (۶۹ - ۱۳۶۸)، از انتشارات دبیرخانه شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- ۳۱ - رجوع شود به کتابهای "آمار آموزش عالی" مربوط به سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۹ (جلد اول) - از انتشارات مرکز برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (از سال ۱۳۵۸ به بعد).
- ۳۲ - رجوع شود به "فصلنامه تعلیم و تربیت" شماره ۲۰، زمستان ۱۳۶۸، مقالات "آشنایی با اقتصاد آموزش و پرورش" تألیف مرتضی امین‌فر و "سرمایه‌گذاری در مردم" نوشته ت. شولتز ترجمه سعید قاسمیان و جعفر سجادیه.
- ۳۳ - مجموع هزینه ارزی تخصیص یافته به بخش آموزش عالی برای تهیه تجهیزات و لوازم آزمایشگاهی و کتاب و نشریات و مأموریت‌های خارج از کشور در سال ۶۹ و ۷۰ به ترتیب برابر ۱۲۴/۸ و ۱۳۲/۴ میلیون دلار و برای آموزش فنی و حرفه‌ای به ترتیب بالغ بر ۱۸/۵ و ۲۵ میلیون دلار بوده است (مأخذ - قانون بودجه سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ - جداول مربوط به منابع و مصارف ارزی) در حالی که هزینه ارزی طرح فولاد مبارکه برای تأمین خدمات آموزشی از ایتالیا در قرارداد اولیه بالغ بر ۲۷ میلیون دلار بوده است که جزئی است از یک قرارداد کلی خرید تکنولوژی سیستم‌های فنی و کم‌کهای کارشناسی است که بالغ بر ۱۸۰ میلیون دلار می‌باشد (نقل از گزارش پیشرفت کار طرح فولاد مبارکه). البته در مطبوعات حتی رقم ۴۰۰ میلیون دلار نیز برای خرید سیستمها و آموزش از ایتالیا ذکر شده است ولی برای آن مأخذی ذکر نشده است.
- ۳۴ - بانکی، محمدتقی "بازنگری و بیان یک تجربه"، فصلنامه برنامه و توسعه شماره ۴ و ۵، وزارت برنامه و بودجه، تهران، بهار ۱۳۶۵.